

رئیس - آقای سلیمان میرزا
(اجازه نطق)
سلیمان میرزا - گمان می کنم وقت مجلس را نباید در این قبیل چیزها صرف کرد ممکن است بایک پیشنهاد این قدر نسبت را اصلاح بفرمایند و کمسیون ارجاع شود لیکن اگر برای همه دو نلت یا نصف معین کنند برای مستخدمین زبردست یک تمدی خواهد بود و برای مستخدمین بالا دست منتهای مساعدت زیرا کسی که دو بیست و پنجاه تومان حقوق دارد نصف آن یعنی صد و بیست و پنج تومان میشود و آنکسی که بیست و پنج تومان دارد دوازده تومان ونیم خواهد داشت و نظر کمسیون این است که حقوق مستخدمین خود را بیشتر رعایت کند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب
(اجازه)

آقا سید یعقوب - در اینجام بنویسد اوقات انتظار خدمت جزء مدت تصدی محسوب است و بنده باین قسمت مخالفم زیرا وقتی یک مستخدمی بدون تقصیر از کار منفصل شد همین قدر کفایت می کند حقوق او را بدهیم اما ترفیع رتبه برای موقع عمل است اینجا شخصش باقی است لیکن عمل نکرده است البته حقوق بگیرد لکن بنده مخالفم که در خانه بنشیند و این مدت جزو مدت تصدی او محسوب شود اضافه حقوق و ارتقاء رتبه پیدا کند
رئیس - آقایان آقا میرزا شهاب الدین
و کارزانی موافقت

آقا میرزا علی کارزانی - بلی مخالفم

مخبر - آقای آقا سید یعقوب اشتباه فرمودند زیرا او مستخدم است و تقصیری ندارد ولی چون کاری ندارد در خانه نشسته است چطور میشود این مدت جزو خدمت او محسوب میشود

رئیس - آقای آقا میرزا شهاب الدین
(اجازه)

آقا میرزا شهاب الدین - اینکه حضرت والا می فرمایند مطالب خود را پیشنهاد می کنم بنده چون بر طبق نظامنامه داخلی حق پیشنهاد ندارم لذا شافاهم عرض می کنم مادام که تعیین مسئله در ماده دیگر نشود بنده مخالف با این ماده هستم زیرا می بینم در این مملکت هیچ ملاحظه خدمت نمیشود بدون ملاحظه فلان وزیر یا فلان رئیس اداره بستگان خود را مصدر کار می کند و یک عده اعضاء را بدون تقصیر از کار خارج می نمایند در اینجا هم می نویسند بواسطه خدمت مشاغل یا علت دیگر معلوم است علت دیگر همان میل وزیر یا میل رئیس اداره یا رئیس کابینه است در این صورت بعد از چندی پنجاه هزار نفر جزه منتظرین خدمت خواهند بود از قانون

استخدام هم يك ماده نیست که رئیس اداره یا وزیر حق نداشته باشند بدون ثبوت تقصیر يك عضوی را منفصل بکنند بنابراین نتیجه این میشود که عده زیادی منتظرین خدمت تولید خواهیم کرد تخصیص که در ماده بعد هم می نویسد عده منتظرین خدمت از صدی پنج تجاوز نخواهند کرد حالا اگر زیادتر شدند تکلیف نشان چه خواهد بود ولی اگر يك ماده باشد که هیچ رئیس اداره یا وزیری حق نداشته باشد عضوی را بدون ثبوت تقصیر تغییر بدهد بایستی کسانی که بواسطه حذف شغل از کار خارج میشوند منتظر خدمت باشند و حقوق بگیرند و مادام که يك چنین ماده نباشد این ماده فیر از تولید عده زیادی منتظر خدمت نتیجه ندارد

مخبر - يك چنین ماده هست و بعد خواهید دید که بی تقصیر نمی توانند کسی را منفصل کنند

آقا میرزا شهاب الدین - اگر این قید بشود مخالف نیستم

رئیس - ولی جمله (علت دیگر) مثل این است که يك قنصل یا حاکم را بواسطه علت های سیاسی باید تغییر داد ناچار باید او را تغییر داشت و این علتها را هم نمیشود از قانون ذکر کرد این است که نوشته شده بواسطه حذف مشاغل یا علت دیگر

رئیس - مذاکرات کافی است یا خیر؟
(جمعی گفتند کافی است)
رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب قرائت میشود
(شرح ذیل قرائت شد)

مقام محترم ریاست مجلس مقدس بنده پیشنهاد میکنم در جمله (اوقات) تا در موقع ترفیع رتبه از ماده ۱۹ حذف شود

رئیس - ماده بیستم
(آقای منتصر الملك بتفصیل ذیل قرائت نمودند)

حداکثر منتظرین خدمت هر وزارت خانه از صدی پنج کلیه مستخدمین آن نباید تجاوز نماید

رئیس - آقای نصرت الدوله
(اجازه)

نصرت الدوله - بنده میخواستم از آقای مخبر توضیح بخواهم که بچه مناسبت عده منتظرین خدمت را بصدی پنج محدود کرده اند آیا اگر بواسطه ماده نوزدهم از صدی پنج تجاوز نماید عده که زیاد برسد پنج هستند خارج خواهند بود یا ترتیب دیگری دارد؟

مخبر - يك قسمت منتظرین خدمت کسانی هستند که عضو مبتدی حساب میشوند و يك قسمت دیگر بواسطه حذف مشاغل منتظر خدمت می شوند حالا اگر از صدی پنج تجاوز کند یا باید دیگر حذف نکنند

یا شغل دیگری بآنها بدهند و باید مراقبت باشند که از صد پنج تجاوز نکنند

رئیس - آقای تدین
(اجازه)

تدین - بنده تصور می کردم در این عبارت يك سهوی شده و مقصود از منتظرین خدمت اعضاء مبتدی هستند ولی حالا بیانات آقای مخبر کار را مشکل تر کرد و معلوم می شود منتظرین خدمت را اهم می دانند از اعضاء مبتدی و اشخاصی که از کار خارج شده باشند اگر مقصود این است این ماده نسبت از يك طرف می فرمایند عده که بدون تقصیر از کار خارج شده اند جزو منتظرین خدمت هستند از طرف دیگر می گویند حد اکثرشان در هر وزارتخانه از صدی پنج نباید زیادتر باشد حاله فرض می کنم در يك وزارت خانه بواسطه حذف مشاغل یا علت دیگر بیست نفر را خارج کردند و نسبت این بیست نفر بر اجراء اداره بیشتر از صدی پنج است اینجا تکلیف چه خواهد بود این است که بنده عرض میکنم در اینجا باید تصریح شود که مقصود از منتظرین خدمت اعضاء مبتدی می باشد

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا
مخالفند

محمد هاشم میرزا - بلی مخالفم

رئیس - آقای سلیمان میرزا
(اجازه)

سلیمان میرزا - يك وقت است وزارتخانه در مواقع عادی اجرا نمی کرد برای آنها صدی پنج محل دارد و می تواند از اشخاص که دوره اولیه خدمتشان را طی کرده اند داخل خدمت نماید این در مواقع عادی است اما چنانکه آقای تدین و شاهزاده نصرت الدوله فرمودند در مواقع فوق العاده مثل این که مالیات نمک را مجلس نسخ کرد و بوجه يك اداره حذف شد در اینصورت اجراء بدبخت آن اداره خطائی نکرده اند اعضاء باید نصف یاد و نلت یا هر چه مجلس رای بدهد از حقوق خود را بگیرند و جزو منتظرین خدمت باشند حالا آقایان ایراد می کنند که اگر صدی پنج بیشتر شد خیلی باید کرد تکلیف آنرا داده پنجاه و ششم این قانون معین میکند و بنده آنرا می خوانم می نویسد مادام که عده منتظرین خدمت ادارات دولتی بیش از صدی پنج مقرر در ماده بیستم باشد هیچك از وزارتخانهها و ادارات حق استخدام عضو جدید الورود ندارند و باید عضو لازم را با رعایت خدمت و دارا بودن شرایط و معلومات لازمه از میان منتظرین خدمت وزارت خانهها انتخاب نمایند حالا باز ممکن است آقایان بفرمایند تنها این ماده جبرانی نمی کند تمام منتظرین خدمتی که از صدی پنج بالا رفته اند حقوق داده شود و يك مدتی آن اشخاص بی کار خواهند ماند این قسمت هم در کمسیون مطرح شد نه اینکه فراموش

شده باشد یکماده منتظرین خدمتی است که در امروز معین می شوند يك رتبه همانطور که آقای آقا میرزا شهاب الدین فرمودند قانون استخدام میشود و مثلاً بموجب یکماده واحده تمام اجزای وزارت مالیه را منفصل کرده اند و دولت یا نصرت منتظر خدمت پیدا کرد در اینصورت بچه ملاحظی نخواهد بود آن را مجلس می تواند يك مرتبه مالیه ملتر با اجزای منتظر خدمت ادارات بدهد و چون حقوق منتظرین خدمت (برای حذف مشاغل) در بودجه منظور میشود باید مجلس در نظر داشته باشد بعد از این که این قانون گذشت باشد از زود پیدا نشود يك اداره را حذف بکند معنای ممکن است بعد از این هم يك عده منتظر خدمت پیدا شوند حالا اگر آقایان بوجه اش را تصویب بفرمایند امر دیگری است ولی کمسیون از نقطه نظر بودجه تصویب گرفت که از صدی پنج بالاتر نرود و اگر بیشتر شدند آنهایی که بدون تقصیر منفصل شده اند مقدم باشند ولی اگر از نظر بودجه مجلس رای می دهد تمام منتظرین خدمت دارای حقوق باشند کمسیون مخالف نیست ولی کمسیون هر دو طرف را ملاحظه کرده هم رعایت حال مستخدمین را کرده ام رعایت اوضاع فعلی مالیه را در هر صورت کمسیون حاضر است هر نوع پیشنهادی آقایان بفرمایند که از این مسئله جلو گیری کند قبول نماید

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا
(اجازه)

محمد هاشم میرزا - فعلا عرضی ندارم

رئیس - آقای کازرونی
(اجازه)

آقا میرزا علی کازرونی - تعدیدی را که کمسیون در ماده بیستم قائل شده رفع تشویش ها از ذهن بنده کرد لکن بنده نمی دانم توضیح بچه قسم خواهد بود فرض بفرمایند یکماده زیادی از مأمودین وزارت مالیه با وزارت داخله که بولایات میروند بعد از مدتی منفصل شوند و يك عده اشخاص که هیچ تقصیر نداشتند منفصل شدند حالا ما میخواهیم از بین آنها صدی پنج انتخاب کنیم آیا کیست؟ این جا هم نظریات رؤسای مافوق شرط است با نظریات دیگری در کار نیست؟ آقایان تصدیق میفرمایند که ما قانون را برای امروز الی بعد و برای يك محیط معلوم الحال بنویسیم نه برای يك محیط مجهول الحال بنا بر این باید رعایت وضعیت و موجبات مملکت را کرده باشیم و بنده می بینم این ماده اسباب اغتشاش و اختلاف نظر و يك دسته بندی هائی خواهد شد این است که باینکه اصولاً با تعدید موافقم ولی باین ترتیب که کمسیون اتخاذ کرده موافق نیستم و باید يك ترتیب عملی تری اتخاذ شود

رئیس - مذاکرات کافی است یا خیر؟

(جمعی گفتند کافی است)

رئیس - ماده بیست و یکم

(بتفصیل ذیل قرائت شد)

ساعات کار و ایام تعطیل و حق مرخصی
سالیانه مستخدمین را نظامنامه های اداری
هر وزارت خانه معین می کنند

رئیس - آقای آقاسید فاضل

(اجازه نطق)

آقاسید فاضل بنده هیچ فلسفه برای
این ماده نمی بینم زیرا باید قانون استخدام
مطالب عمومی تمام وزارتخانه ها را شامل باشد
تمام وزارتخانه ها در تعیین ساعات کار و ایام
تعطیل و مرخصی شریک هستند و بیک وزارت
خانه اختصاص ندارد و هر کدام تابع یک
قانون مخصوصی نیستند نمی شود گفت
در یک وزارتخانه ساعات کار هشت ساعت است
و در وزارتخانه دیگر ده ساعت .

تا فلاغ اداره در ایام جمعه تعطیل
نیست یا در فلان وزارتخانه حق مرخصی
سالی یکماه است و در فلان وزارتخانه سالی
دوماه فقط بعضی از وزارتخانه ها اختصاصی
دارند مثل تلگرافخانه که هشت کشیک دارند
ولی بعقیده بنده یا ساعات کار در ایام تعطیل
و مرخصی برای تمام وزارتخانه ها در این
قانون نوشته شود و موکول به نظامنامه های
خصوصی نشود .

رئیس - آقای سلیمان میرزا

(اجازه)

سلیمان میرزا - بنده گمان کردم
یکی از موادیکه بهیچ وجه نباید در آن
مذاکره شود همین ماده است میگوید
ساعات کار و ایام تعطیل و حق مرخصی
سالیانه مستخدمین را نظامنامه های اداری
هر وزارتخانه معین میکند می فرمایند این
حقوق عمومی است اگر حقوق عمومی است
پس چرا تلگرافخانه باید شب هم کشیک
داشته باشد یا مثلا هشت ساعت کار کند
این قاعده که دیگر شامل حال اجزای پست -
خانه با وزارت داخله نمیشود یا فرض
بفرمائید چنانچه یک ماده دیگر این قانون
می گوید این قانون شامل دوائر اجتهادی
و هیئتهای شوروی هم میشود آنوقت آیا
اجزای بلدییه باید مطابق همان ساعتی که
اجزای مجلس شورای ملی کار میکنند آن
ها هم کار کنند ؟

مجلس شورای ملی یک نظامنامه
مخصوصی دارد که مثلا تابستان ازصبح تا
ظهر چون و کلا هستند اجزاء اداره تقنینیه
و مباشرت هم باید حاضر شوند این ترتیب
و بگر شامل حال بلدییه یا پستخانه نخواهد
شد این ترتیبات را باید نظامنامه هر
وزارتخانه معین کند اگر غیر از این باشد
اسباب اشکال خواهد شد .

آقا سید فاضل - اجازه می فرمائید
توضیح بدهم

(جمعی گفته مذاکرات کافی است)

رئیس - آقایان مذاکرات را کافی

می دانند ؟

(اغلب گفتند کافی است)

رئیس - پیشنهاد آقای مدرس قرائت
می شود .

آقاسید فاضل - بالاخره توضیح
بنده ماند .

(پیشنهاد آقای مدرس به تفصیل

ذیل قرائت شد)

پیشنهاد میکنم چنین نوشته شود
ساعات کار در زمان هادی روزی هشت ساعت
است ایام تعطیل هادی روز جمعه اعیاد
مذهبی و ایام عزاداری مذهبی خواهد بود .
حق مرخصی هادی سالی یک برج که
تراضی رئیس مشغول و مستخدم معین خواهد
شد .

(تبصره)

فوق العاده ممکن است ارموارد فوق
زاده تقیسه تغلف شود

رئیس - ارسال می شود به کمیسیون
مذاکرات در ماده بیست و یکم تمام شد بقیه
مذاکرات می ماند برای جلسه آتی آقای
سهام السلطان از بیستم ذی قعدة بیست روز
مرخصی خواسته اند کمیسیون تصویب کرده
موکول برای آقایان است .

آقای سلیمان میرزا -

(اجازه)

سلیمان میرزا - بنده مکرر عرض کردم
با این قبیل مرخصی ها مخالفم زیرا ظاهرا
کارهای شخصی است و از آن بیشتر ممکن
است استفاده کنید و چون اگر در مجلس
تصویب شود با آنها حقوق داده میشود بنده
مجبورم علل مخالف خود را عرض کنم
البته آن کارها را بر کار مجلس ترجیح
میدهند مثلا فرض بفرمائید حالا موقع
حاصل است و از املاک عراق بیشتر ممکن
است استفاده کرد البته وقتی بنده بدون
عذر و وجه از منزل خودم به مجلس بیایم لابد
کاری در منزل دارم مقدم میدانم پس محققا
باید جریمه بدهم علی الخصوص که ایشان
دو روز است رفته اند و صبر نکرده اند به بیینند
مجلس تصویب میکند یا نه ؟

یک کاغذی به کمیسیون هریاض و
مرخصی نوشته اند که من بیست روزه میروم
و منتظر اجازه هم نشده اند بنده نه فقط با
این اجازه مخالفم بلکه با هر مرخصی که
اینجا بیاید مخالفت خواهم کرد در این
نقطه که حقوق نباید بگیرند .
بنابراین اگر در مجلس باقی بمانم
(یعنی نایم والا تا آخر مجلس خدمت
آقایان خواهم بود و بهیچ چیز مرا از
خدمت آقایان دور نخواهد نمود)

اگر بمانم با هر مرخصی این مخالف
را خواهم کرد .

رئیس - آقای آقاسید یعقوب

(اجازه)

آقاسید یعقوب - بنده نمیدانم

چرا حضرت والا هر روز يك نحو صحبت
میفرمایند يك روز میفرمایند چرا وقتی
اجازه داده شد فوراً حرکت نمیکند يك
روزی گویند چرا حرکت میکنند این
بیچاره دوروز جلوتر از رئیس اجازه خواسته
و آقای رئیس هم اجازه داده اند و بنده هم
کمیسیون بیست روزه اجازه مرخصی را
داده بنده خیلی تعجب میکنم که حضرت -
والا و کیل را در فریاد زدن و دعوت بانقلاب
و غیره آزاد می گذارند ولی در باب مرخصی
بیست روزه و اجازه گرفتن آزاد نمیکذارند
در صورتیکه آقای سهام السلطان از روزی
که مجلس افتتاح شده تا بحال چنانچه به
صورت مجلس رجوع شود یکروز تغلف
از حضور در مجلس نکرد .

در کمیسیون بودجه بتصدیق تمام
اعضاء آن زحمات زیاد کشیده حالا بواسطه
اینکه پدرش نمی تواند رسیدگی بامورت
بکند بیست روزه اجازه خواسته است
بنده استدعا میکنم حضرت والا که در پشت
تربیبون و کلا را دعوت به انقلاب کردن
میکند اینقدرها به مرخصی و اجازه مقید
نباشند يك و کیلی بیست روزه اجازه بگیرد
برود و برگردد این اشکالی ندارد و کمان
میکند مذاکرات هم کافی باشد

رئیس - آقای سردار مقفم

(اجازه)

سردار مقفم - راجع باین موضوع
هرضی ندارم

رئیس - آقای مدرس

(اجازه)

مدرس - آقای سهام السلطان مدتی
بود در کمیسیون بودجه اظهار میکردند
دو بیست روز بروم و وانما چون در کمیسیون
بودجه خیلی کار میکرد و پیشود گفت که شب
و روز مشغول بوده مادر کمیسیون قانع شدیم
و گفتیم کمیسیون بودجه اهمیت دارد و وقتی
هم که بنامش بروند فرمودند خوب است بی
اجازه بروم زیرا مرخصی از مجلس مطرح
میشود و ممکن است بعضی چیزها پیش
بیاید من هم که در قید حقوق نیستم ولی
یک هب دیگر دارد که در هر صورت مجلس
هر روز می خوانند هاب بی اجازه و این
یک قدری نقص است پس خوب است يك
اجازه از آقای رئیس بگیریم که این هب
رفع شود و حقیقتا ایشان مقید بحقوق
نبودند این است که بنده این مذاکرات را
یک اندازه خوب نمی دانم زیرا ایشان از
روی لایبدی رفته اند حالا هم اگر آقایان رأی
بدهند فرقی نمیکند

رئیس - آقای سلیمان میرزا

(اجازه نطق)

سلیمان میرزا - در اینکه آقای
سهام السلطان در کمیسیون بودجه خیلی
زحمت میکشیدند و ایشان یکی از کلائی

بودند که در سر موقع در کمیسیون و مجلس
حاضر میشدند و در اینکه اکثریت و هیئت
متعدد هم با این اجازه رأی میدهند حرفی
نیست فقط بنده می خواهم راجع به مسئله
که آقا میفرمایند عرض بکنم ایشان از
مخالفت بنده تعجب میکنند ولی برای بنده
هیچ موضوع تعجب نیست بنده و کیل را
در اظهار عقیده آزاد می دانم و ایشان هم
آزادند چنانکه الآن با بنده مخالفت

نکردند و بنده هم آزادم عقیده خود را
بگویم زیرا تشکیل مجلس از اشخاص مختلف
است که عقاید خود را ابراز کنند بهیچ وجه
تعجیب ندارد بلی بنده باز هم عقیده خود
را تکرار میکنم مادامی که در اهالی حس
مخالفت بر علیه اشخاص که برخلاف قانون
رفتار میکنند تولید شود و انقلاب نمایند

حقوق آنها حفظ نمی شود چنانچه محمد علی
شاه راهم بواسطه انقلاب از میان برداشتنند
اگر رجوع بکتاب تاریخ آزادی و عده
بفرمایند چنانچه ارتو در دوازده جلد
کتاب خود که تاریخ دو هزار ساله انقلاب
و آزادی اروپا است در اول هر صفحه آن
همین عقاید را می گوید و مذهب اسلام هم
همین است بلکه او از مذهب اسلام اقتباس
کرده بنده هم دارای آن عقیده هستم و می
گویم هیچ حق مذهبی و سیاسی در دنیا
گرفته نمی شود مگر اینکه در مقابل ظالمین
و تعدی کنندگان جرات و شجاعت و
فداکاری اظهار بشود باین جهت بود که
امروز عرض کردم حق گرفتنی است نه دادنی
هر قدر توی سر مردم بزنند و باز بیاید
اتومبیل های ظالمین تعظیم کنند حقوقشان
حفظ نمیشود .

تا مردم منتظر هستند از طرفی
توسری نغورند و بظالمین حضرت اشرف
بر بسته محققا حقوق خودشان را نخواهند
گرفت و آزادی در این مملکت برقرار
نخواهد شد و اینکه تکرار می شود که من
مردم را دعوت بانقلاب میکنم ابدأ ترسی
ندارم این عقیده من است و عقیده آزاد است
و این دفته سوم است که تکرار میکنم تا
همه مردم بدانند همه روز نامه نویس ها
بنویسند این اسباب خود محالی من است
عقیده من این است که اگر مردم می خواهند
حقوق حقه خودشان را از فاصبین بگیرند
باید در هر خلاف قانونی بدولت پرتست کنند
اگر گوش نکردند تعطیل بکنند و اگر
باز اثری نه بشنید انقلاب کنند . . .

آقا سید یعقوب - ملت امنیت

می خواهد .

سلیمان میرزا - اگر حضرت آقا
امنیت می خواستند خوب بود در زمان محمد
علی شاه که مجلس را به توب بست انقلاب نمی
فرمودند امنیت وقتی است که حقوق مردم
مطابق قانون اساسی محفوظ باشد و الا امنیت
معنی ندارد باید حکومت ظالم را با مشت و

اسلحه سرنگونکرد و حکومت عادل در جای او گذاشت که مطابق قانون اساسی رفتار کنند بنده در بالای کرسی خطاب به قسم خورده ام و در آنجا کلمه امنیت ندارد می نویسد مادام که حقوق مجلس و مجلسیان مطابق قانون اساسی محفوظ و مجری است . . .

آقای سید یعقوب - ملت ایران امنیت می خواهد .

سلیمان میرزا - هر زمان که برخلاف قانون اساسی رفتار شود باید مقاومت کرد چون ایشان از قضیه خارج شدند بنده هم مجبور شدم از موضوع خارج بشوم حالا اگر نظامنامه داخلی تغییر کند بنده بهمان نظری که آقای مدرس به آقای سهام السلطان فرمودند مخالفت نخواهم کرد که فقط در صورت مجلس فایب بدون اجازه نوشته شود لکن مخالفت بنده در این است که کسی که کار نمی کند نباید اجرت بگیرد این مسئله هم از راه شرع وهم از راه قوانین هادی بسندیده و مدوح است کسی که زحمت نمی کشد از بیت المال مسلمین و خزانه دولت نباید حقوق بگیرد و حال هر کس موافق است عقیده اش آزاد است و می تواند باینده مخالفت نماید

رئیس - آقای آقا میرزا هاشم آشتیانی

(اجازه)

آقا میرزا هاشم آشتیانی - بنده در اصل موضوع عرض دارم ولی راجع به فرمایش شاهزاده عرض می کنم اگر بنا شود پیشنهاد شاهزاده سلیمان میرزا قبول شود آنوقت هیچ فرقی مابین غایب با اجازه و غایب بدون اجازه

باقی نخواهد بود این مسئله را راجع به بهودم عرض می کنم اگر بنده بدانم در صورتی که اجازه بگیریم یا نگیریم در هر دو حال حقوق نخواهم گرفت البته بدون اجازه بروم و اجازه نخواهم گرفت و این مسئله رفته رفته اسباب اختلال و بی نظمی مجلس می شود و یک وقت مقام ریاست اعلام خواهد کرد که مجلس از اکثریت افتاد بنابراین این ماده را از روی یک حکمت و فلسفه معین کرده اند که هر کس بخواهد مسافرت نماید بایستی اجازه بگیرد و با اجازه حرکت کند چنانچه در همین قانون استخدامی که شاهزاده وسایر آقایان وضع کرده اند خودشان برای اعضاء ادارات بی منتظرین خدمت حق مرخصی و غیره با استفاده از حقوق تامین شده اند حال آیا یک و کیلی که دو سال در مجلس خدمت می کنند حق ندارد یک مدت قلیلی مرخصی بگیرد

رئیس - رای می گیریم به رایورت کمیسیون مرخصی بیست و نوزده آقای سهام السلطان را تصویب نموده است آقایانی که

رایورت کمیسیون را تصویب می کنند بفرمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد . جلسه آتی ه روز پنجشنبه چهار ساعت قبل از ظهر دستور بقیه شور در قانون استخدام خواهد بود

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

جلسه ۱۱۷

صودت مشروح مجلس یوم پنجشنبه بیست و چهارم شهر ذی قعدة ۱۳۴۰

مطابق بیست و نهم سرطان ۱۳۰۱ مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای مومن الملک تشکیل گردید صورت مجلس یوم یکشنبه بیست و پنجم سرطان را آقای امیر ناصر قرائت نمودند

رئیس - گویا بصورت مجلس ایرادی نباشد (اظهاری نشد)

رئیس - صورت جلسه تصویب شد چند فقره اوابج از طرف دولت رسیده است که عرض میکنم یکی لایحه امتیاز احداث کارخانه چراغ برق در همدان دیگر تقاضای تجدید کترات چند نفر معلم برای برای مدرسه حقوق یک فقره هم تقاضای چهارده هزار و صد و هفتاد و دو لیره کافعی برای تعمیر سفارتخانه اسلامبول ارجاع می شود کمیسیونهای مربوطه کسری کمیسیون هارا که بنا بود انتخاب بفرمایند چند نفر انتخاب شده اند بقیه راهم امروز باید انتخاب بفرمایند کمیسیون خارجه سه نفر کسر داشت دو نفر آقایان نصرت الدوله و حاج مخبر - السلطنه انتخاب شده اند یک نفر دیگر باید امروز انتخاب شود بکمیسیون معارف دو نفر کسر داشت آقای حاج میرزا عبدالوهاب انتخاب شده اند یک نفر دیگر کسر است کمیسیون مالیه سه نفر کسر داشت آقای معتمدالتجار انتخاب شده اند دو نفر دیگر کسر است کمیسیون عدلیه چهار نفر دو نفر آقایان سالار معظم و حاج شیخ محمد حسن گروسی انتخاب شده اند دو نفر دیگر باقی است کمیسیون داخله چهار نفر کسر داشت هر چهار نفر انتخاب شده اند کمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات سه عضو کسر - داشته است دو نفر آقایان نصرت الدوله و محمد هاشم مرزا انتخاب شده اند یک نفر دیگر هم باید انتخاب شود

حاج میرزا عبدالوهاب برای کمیسیون فواید عامه و یست و تلگراف گویا هیچ معین نشده است چون اسمی از آنها برده نشد

رئیس - بلی صحیح است کمیسیون فواید عامه هم دو نفر کسر داشت که هیچ انتخاب نشده است و باید انتخاب شود در موقع تنفس صورت کسری اعضاء کمیسیون

ها اعلام می شود و از روی آن انتخاب می فرم بند . آقای سلطان العلماء (اجازه)

سلطان العلماء - در چند روز قبل حضور مبارک عرضه داشتم بواسطه پاره محظورات از عضویت کمیسیون قوانین مالیه معذور و مستعفی هستم گویا فراموش شده است چون کمیسیون قوانین مالیه پس از استعفای بنده چهار نفر کسر دارد و حضرت آقای رئیس فرمودند سه نفر یک نفر دیگر هم باید انتخاب شود

رئیس - عرض کردم در موقع تنفس همدای لازم است انتخاب شوند اعلام خواهد شد آقای دولت آبادی (اجازه)

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی بنده هم همین مطالب را می خواستم عرض کنم

رئیس - آقای ارباب کبخی و بواسطه کسالت مزاجی که داشتند مجدداً مسافرت نمودند و از بیستم برج سرطان تقاضای بکمام مرخصی کرده اند کمیسیون هم تصویب کردند باید رای گرفته شود آقایانیکه مرخصی ایشان را تصویب می کنند قیام فرمایند

(اکثریت نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد قانون استخدام مطرح است ماده بیست و دوم از فصل سوم قرائت می شود

ماده بیست و دوم - برای رسیدگی به تقصیرات اداری و تعیین مجازات مستخدمین مجلس تحقیق و معاکه اداری از روسای اولیه و زارتخانه متبوعه بریاست وزیر یا معاون او تشکیل خواهد شد

رئیس - آقای آقاسید فاضل (اجازه)

آقاسید فاضل - بنده فصل سوم را مطالعه کرده ام به چه وجه حق استیفاف بجهت محکوم علیه منظور نشده و بعقیده بنده یک ظلمی بر محکوم علیه شده است زیرا بسامست شخصی در محکمه ابتدائی بیک وساطتی محکوم می شود در صورتی که ممکن است اسناد و دلایل صحیح در دست داشته باشد و در استیفاف محکوم له خود و بنده این قانون را باین ترتیب ناقص می دانم بنده د خارج به آقایان اعضاء کمیسیون هم صحبت کرده ام و آقایان عقیده شان این است که شورای دولتی برای مستخدمین دولت بمنزله محکمه استیفاف است ولی بعقیده بنده این کافی نیست و بایست استیفاف و حق استیفاف جهت مستخدمین منظور شود

رئیس - البته تصدیق خواهند فرمود که این مسئله مربوط بماده بیست و دوم نبود **آقاسید فاضل** - راجع به فصل سوم

رئیس - آقای رکن الملک مخالفید؟
رکن الملک - بلی

رئیس - عماد السلطنه خراسانی (اجازه)

عماد السلطنه - عرضی ندارم

رئیس آقای حاج میرزا عبدالوهاب موافقت یا مخالف؟

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده هم موافقم وهم مخالف و یک سوالی از آقای مخبر دارم که آیا این قانون شامل

حال وزیر و معاون هم می شود یا خیر و برای آنها هم محاکمه هست یا نه؟

آقاسیخ ابراهیم زبجانی مخبر کمیسیون البته قانون اساسی را خوانده اید معاکه

وزراء یا دیوان عالی تمیز است **رئیس** - آقای رکن الملک (اجازه)

رکن الملک - در این ماده تصریح - نشده که این معاکه شامل حال مستخدمین ایالات و ولایات هم هست یا خیر؟ و چون نوشته است مجلس معاکه بریاست وزیر یا معاون تشکیل میشود معلوم می شود که فقط اختصاصی به پایتخت دارد

مخبر - البته اشخاصی که باید معاکه شوند از ایالات و ولایات بمعز جلب و در اینجا معاکه میشوند

رئیس - آقای نصرت الدوله (اجازه)

نصرت الدوله - در این ماده عبارت (تقصیر اداری) مهم است و ممکن است در

موقع عمل تولید زحمت کند زیرا معلوم نشده که مقصود از این تقصیرات اداری کدام و چه قسم از تقصیرات است زیرا بعضی تقصیرات اداری است که ممکن است طرف آنها اشخاص باشند که در خارج هستند و این قبیل تقصیرات اداری و دعاوی که طرف آنها اشخاص خارجی هستند بمعاکه اداری نباید رجوع شود . این یک مطلب

مطلب دیگری که می خواستم عرض کنم راجع باظهاری است که آقای رکن الملک

نمودند و جواب آقای مخبر منعقد نبود در موقعی که آقای آقاسید فاضل در کمیسیون تشریف

آوردند و راجع باستیفاف اظهاراتی فرمودند بنده خودم در کمیسیون با حضور حضور داشتم

آقایان مذاکره شد که یک موادی راجع با تقصیرات اداری و تشخیص باینکه در ولایات بچه

ترتیب مستخدمین معاکه شود و تعیین شوند قرار شد مجدداً آقایانی که راجع باین ماده اعتراض

دارند بکمیسیون حاضر شوند و بجهت تکمیل این ماده مذاکراتی بعمل آید که

برای شور ثانی این ماده بطور کامل بمجلس آمده مطرح شود باینجهت حالا بنده پیش

از این عرض نمی کنم

مخبر - اگر بنا شود ترتیب معاکه و تقصیرات اداری و مجازات ها و مکافات ها

ذکر شود از تمام این قانون بیشتر خواهد

شد

بنده این قانون را که پیشنهاد کردم يك فصل راجع بترتیب معاکمه و مجازات و مکافات در آن بود که کدام تقصیر بمجازات و کدام خدمت چه مکافات و پاداشی خواهد داشت ولی پس از آنکه دولت پیشنهاد بنده را بجهت مطالعات بردنمی دانم از چه نقطه نظر معاکمات اداری را محول بشورای اداری کرد

بنده در درجه مجازات در این قانون ذکر کرده بودم اما لاهم اگر آقایان موافق باشند مجدداً آن فصل را ضمیمه کرده و مطرح مذاکره قرار دهند و ممکن است راجع بمعاکمات مستخدمین ولایات و ایالات هم يك ماده ضمیمه نمود که بجهت ترتیب یا در ایالات یاد مرکز معاکمه شوند

راجع بتقصیرات اداری هم البته بخوبی معلوم است که تقصیرات اداری غیر از تقصیرات حقوقی است و فرقی بین آنها بقدری روشن است که لازم بتوضیح نیست مثلاً کسی کاغذی را بدو نوشته باشد یا در اداره حاضر شده باشد خیلی فرق دارد با کسی که تقصیر حقوقی کرده باشد و تقصیرات اداری در محکمه اداری معاکمه می شود نه تقصیرات حقوقی رئیس آقای آفاسید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - در اینجا که نوشته شده است رسیدگی بتقصیرات اداری و تعیین مجازات را تهمیدم زیرا محکمه اداری حق تعیین مجازات ندارد حق اجرای مجازات را دارد

تعیین مجازات بایستی مطابق قانون علیحده معین شود و برای هر فصل خطائی مجازاتی معین شود و محکمه اداری حق اجرا کردن مجازات را ندارد نه تعیین مجازات را قانون مجازات را قوه مقننه بایستی بنویسد و محکمه اداری بایستی تقصیر را مطابق با مواد آن قانون کرده و مجازات را معمول و مجری دارد بنابراین بنده با اینکه محکمه مجازات را معلوم کند مخالفم

مخبر - قانون تعیین مجازات های کلی حقوقی را می کند که فلان تقصیر فلان مجازات را دارد مثلاً از سه ماه تا شش ماه حبس برای فلان تقصیر معین میکند ولی محکمه اداری باید مجازات تقصیرهای اداری را معین کند مثلاً بسنجد که تقصیر فلان مستخدم چه درجه مجازات لازم دارد و اجرای مجازات هم با محکمه اداری نیست محکمه فقط تعیین مجازات را میکند

رئیس - آقای سلطان العلماء (اجازه)

سلطان العلماء عرض بنده در ضمن فرمایشات آقایان گفته شد

رئیس - آقای عبدالسلطنه خراسانی (اجازه)

عبدالسلطنه - آقای مخبر در جواب آقای رکن الملک اظهار داشتند مقصرین

ولایات باید بر مرکز جلب و در این جا معاکمه شوند بنده هیچ فلسفه برای این این مسئله نمی بینم و عقیده ام بر این است که معاکمه مستخدمین مقصر در محل بشود منتهی ممکن است آنگاه که بدوی فرار دادوا کراستیناف لازم شد در مرکز استیناف بدهند والا اگر از برای هر روز جزئی تقصیر از ثبات یا منشی و غیره آنها را بر مرکز جلب کنند اسباب زحمت می شود و این ترتیب خوب نیست

مخبر - بلی مستخدمین جزء مثل منشی وثبات و امثال اینها را روسای اداری ایالات و ولایات می توانند در محل معاکمه کنند و این در صورتی است که اجزاء معاکمه در ایالات و ولایات بجهت مقصر باشد باین معنی که شخص مقصر چند نفر اجزاء مافوق در آن محل داشته باشد که بتوانند او را معاکمه کنند زیرا اشخاص مادون نمی توانند شخص مافوق را معاکمه نمایند ولی روسای ادارات بایستی بر مرکز جلب و در اینجا معاکمه شوند زیرا معاکمه کننده باید مقامش مافوق یا لااقل مطابق معاکمه شونده باشند و نظر کمسیون هم بر این است که برای معاکمه دودرجه قائل شویم یکی بجهت مستخدمین جزء یکی بجهت روساء

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - طریقه معاکمه و مجازات را که این قانون معین کرده و تمام معاکمات و رسیدگی را محول به يك جلسه معاکمه مجلس مشاوره اداری کرده است بنده هیچ فلسفه برای آن نمی بینم زیرا تقصیرات دارای يك درجات مختلفی هستند بعضی تقصیرات هست که باید در خود اداره معاکمه و رسیدگی شود از آن که بالاتر رفت و اهمیت تقصیر زیاد تر شد باید در مجلس مشاوره اداری معاکمه شوند چنانچه آقایان می فرمایند مثلاً يك مستخدمی در فارس یا آذربایجان مرتکب تقصیر جزئی شده اگر بخواهند برای آن تقصیر جزئی شخص مقصر را بر مرکز جلب و تمام روسای وزارتخانه جمع شده و بآن تقصیر رسیدگی نمایند و مجازات آنرا معین کنند آنوقت تمام وقت روسا باید صرف همین کار شود زیرا روزی نیست که از يك ولایت یا ایالات یا خود مرکز شکایتی از مستخدمین به وزارتخانه برسد و اگر بخواهند باین ترتیب رفتار کنند دیگر هیچ کاری نمیرسند فقط باید بنشینند و رسیدگی بشکایات بنمایند بنابراین بعقیده بنده در هر روز وزارتخانه و اداره يك دایره تحقیقات مقدماتی باید تاسیس شود که ابتدا در آنجا بشکایات رسیدگی بشود اگر تقصیر ثابت شد یا نشد يك راپورت جامع الاطراف بمقامات عالی تر که همان شورای عالی اداری است می دهد که اسباب

اتلاف وقت رؤسا هم نشود و دیگر این که این مسئله که نوشته شده است تقصیرات جزئی را روسای مافوق حق دارند بدون معاکمه در درجه اول بدون درج در ورقه خدمت و در درجه دوم با درج در ورقه خدمت اخطار کتبی نمایند بعقیده بنده این صحیح نیست و باید برای این تقصیرات جزئی هم در همان محکمه ابتدائی معاکمه بعمل آید و پس از ثبوت بشخص مقصر اخطار شود بجهت بنده عقیده ندارم که از ابتدا کلیه معاکمات بشورای عالی اداری احاله شود چون اسباب اتلاف وقت روسا می شود

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه) سلیمان میرزا - اشکالاتی که آقایان می فرمایند آنچه بنده استنباط کرده ام بیش از این دو قسمت نیست یکی راجع باستیناف یکی راجع برسیدگی و تعیین مجازات و در ضمن گفتگوی این هم هست که مستخدمین ولایات و ایالات که مرتکب تقصیری میشوند در مرکز معاکمه شوند یا در محل و در حقیقت اظهارات آقایان مخالفین من حیث المجموع بیش از این سه قسمت نیست اما راجع به رسیدگی بتقصیرات و تعیین مجازات کمیسیون در نظر دارد يك ترتیبی برای مجازات معین کند البته لازم بتکرار نیست بکسب تقصیرات مجازاتش در قانون هم می مجازات معین است اگر جنبه جزائی داشته باشد چنانچه از مواد بعد هم هست بعقلیه مراجعه می شود و راجع بتقصیرات اداری هم کمیسیون در نظر دارد ترتیبی برای آن برقرار دهد راجع به استیناف هم کمیسیون در نظر دارد که يك محکمه رای استیناف قرار بدهد زیرا اگر شورای دولتی بود مرجع استیناف معلوم بود ولی تاشورای دولتی نیست کجا باید استیناف داده شود هنوز مجلس معلوم نشده و کمیسیون مشغول مذاکره است و از حضرت آقای رئیس و آقای نصرت الدوله هم تقاضا شده که چند جلسه در کمیسیون حاضر شوند و هر کدام از آقایان هم لطف فرموده تشریف بیاورند کمال امتنان حاصل است که با حضور آقایان مذاکرات بعمل آمده و ترتیب صحیحی بجهت این مسئله داده شود ولی راجع باینکه مستخدمین مقصر از ایالات و ولایات بر مرکز جلب شوند در این خصوص مذاکره از منشی وثبات نبود ما تقصیرات را در نظر گرفتیم چنانچه در ماده ۲۵ هم ملاحظه می فرمائید بعضی تقصیرات اداری است که مجازات آن اخطار کتبی است و البته تقصیری که مجازاتش اخطار باشد محتاج بمعاکمه نیست و این حق را بر رئیس اداره داده اند که اگر مثلاً مستخدمی سه مرتبه غیبت کرد ابتدا باو اخطار می کنند که پس از این غیبت نکنند و سر وقت حاضر شوند باز اگر غیبت کرد بطوری که در این ماده ذکر شده مجدداً باو اخطار می کنند و این مسئله دیگر معاکمه

لازم ندارد و در ایالات و ولایات هم رؤسای اداری می توانند این مجازات را مجری دارند ولی از قسمت سوم بعقد که کسر حقوق و انفصال موقت و تنزل مقام و غیره باشد اینها را ما يك مجازاتی داشتیم که تقصیر اشخاص که این مجازاتها در باره آنها اعمال می شود يك تقصیرهایی است که باید در مرکز معاکمه شده و گمان نمی کنم اکثریت مجلس هم عقیده داشته باشند این مسائل در ایالات و ولایات رسیدگی و معاکمه و مجازات برای مقصرین معین شود و البته تا مستخدم مرتکب تقصیر قابل اهمیتی نشود او را از خدمات دولتی محروم نمی کنند زیرا محروم ماندن اشخاص از حقوق خواه ثبات باشد خواه منشی برای آنها در حکم اعدام است پس این حق را نمی توان بر رئیس یا معاون اداره داد علاوه در ماده ۲۲ هم نوشته شده است برای رسیدگی بتقصیرات اداری و تعیین مجازات مستخدمین مجلس تحقیق و معاکمه اداری از رؤسای اولیه وزارتخانه متبوعه بریاست وزیر یا معاون او تشکیل خواهد شد و رؤسای اولیه ادارات در ولایات نخواهند بود و چون تقصیر هم خیلی مهم است و مجازات آن انفصال دائمی از آن وزارتخانه یا تمام وزارتخانه ها است باینجهت باید بر مرکز بیاید که بهتر رسیدگی نمایند و اگر آقایان نظریات دیگری دارند ممکن است پیشنهاد بفرمایند و بعد هم لطف فرمودند در کمیسیون تشریف بیاورند توضیحات بدهند و وقت مجلس را بیش از این تلف نکنند

رئیس - آقای کازرانی (اجازه)

آقا میرزا علی کازرانی - حضرت والامی فرمائید که ثبات و غیره را در نظر داشتیم در صورتی که قانون باید شامل حال تمام درجات باشد نهایت آنکه دوازده درجات مجازات را خارج می کنند و می گویند رئیس اداره می تواند بدون آنکه هیئتی تشکیل بدهد مستخدم را مجازات نماید و مابقی درجات را رجوع می کنند به همان هیئتی که در مرکز تشکیل می شود پس خوب بود همانطور که فرمودند ذکر می کردند که ما ثبات و غیره را در نظر نداریم و اینکه فرمودند راجع بقسمت سوم الی ششم اگر آقایان يك نظریاتی دارند پیشنهاد بفرمایند در صورتی که خود اعضاء کمیسیون هم تا اندازه موافقت دارند خوب بود يك طریقه حلی در نظر گرفته ضمیمه این قانون می نمودند اسباب مطلق نشده باشد و اینکه می فرمایند قسمت هفتم انفصال است و باید در مرکز معاکمه شود آیا چه وقت ما می توانیم بفهمیم که این تقصیر مجازاتش انفصال است مثلاً یکی از مستخدمین تقصیر کرده و او را معاکمه

می کنند پس از آنکه معاکمه کردند معلوم می شود مجازاتش چیست اگر دیدند مجازات او انفصال است آنوقت برای اینکه بهتر رسیدگی نمایند ممکن است رجوع به مرکز نمایند والا اگر از اول تقصیر و مجازات معلوم باشد از برای یک چیز واضح و معلوم یک هیئتی تشکیل دادن و معاکمه کردن لازم نیست بنا بر این اگر یک نفر مستخدم در اقصی بلاد ایران تقصیری کرده باشد و قبلا او را برای معاکمه به مرکز احضار نمایند ممکن است بالاخره تبرئه شود و اسباب زحمت فراهم شده باشد و بقیه بنده این طریق عملی نیست پس باید نظریه اتخاذ کرد که اجزاء ایالات و ولایات در همان محل خودشان معاکمه شوند و برای استیناف از حکم صادره آن محل بتوانند به مرکز رجوع نمایند در هر صورت بنده عقیده دارم که رؤسای دوائر و ادارات باید تا اندازه نسبت باجزاء خود تسلط داشته باشند که اسباب اختلال امور پیش نیاید

رئیس - در ماده ۲۲ آقایان مذاکره کافی می دانند (جمعی گفتند کافی است)

رئیس - پیشنهادها قرائت می شود (۷ فقره پیشنهاد بهضامین ذیل قرائت شد)

پیشنهاد می کنم در آخر ماده ۲۲ نوشته شود و در ایالات از رؤسای اولیه ادارات ریاست والی یا معاون مدرس مقام محترم ریاست بنده پیشنهاد می کنم در ماده ۲۲ اینطور نوشته شده (تمین درجه مجازات) یعقوب - الموسوی

بنده پیشنهاد می کنم در ذیل ماده ۲۲ این جمله اضافه شود (و در ایالات و ولایات مجلس تحقیق از رؤسای کلیه ادارات ریاست رئیس اداره متبوعه تشکیل خواهد شد) ابراهیم قمی

بنده پیشنهاد می کنم معاکمه ادارات در ولایات با حضور تمام رؤسای ادارات دولتی در خود ولایات بشود.

عبدالوهاب الرضوی برای تکمیل ماده ۲۲ شرح قبل را پیشنهاد می نماید رسیدگی بتقصیرات مستخدمین ادارات در ایالات و ولایات در خود محل بعمل می آید و اعضاء محکمه اداری مرکب خواهند بود از رئیس مافوق شخص مقصر و رؤسای باقی ادارات و چنانچه مقصر از حکم صادره اعتراض نداشته باشد می تواند از وزارتخانه خود تقاضای تجدید نظر نماید. عماد السلطنه خراسانی

معاون وزیر در صورتی که مستخدم رسمی نیست چه قسم ممکن است در محکمه که برای مستخدم رسمی تشکیل می شود ریاست داشته باشد این است که بنده پیشنهاد می نمایم لفظ معاون در ماده ۲۲

حذف شود. سیدالمجتهدین حائری زاده پیشنهاد می کند که تبصره ذیل ضمیمه ماده ۲۲ شود تبصره - کسانی که به موجب فرمان سلطنتی شاغل کرسی خدمت دولت شده در مرکز معاکمه می شود ولی سایر مستخدمین را رئیس مافوق در حضور چهار نفر اشخاص هم درجه معاکمه خواهند شد

رئیس - ماده ۲۳ قرائت می شود (بهضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۲۳ - رئیس اداره که متشکی عنه رئیس یا جزء آن اداره است جزء هیئت مجلس تحقیق و معاکمه اداری نمی تواند باشد ولی برای دادن توضیحات دعوت می شود

رئیس - اقبال السلطان (اجازه)

اقبال السلطان - مقصود از این ماده این است که اگر رئیس یا یکی از اعضاء اداره طرف شکایت واقع شود رئیس آن اداره در هیئت حاکمه نمی تواند عضویت داشته باشد والا این ماده این معنی را صریحاً نمی رساند ثانیاً اگر یکی از اعضاء اداره طرف شکایت واقع شود و مقصر شد چرا رئیس آن اداره حق ندارد در هیئت حاکمه حاضر باشد تا بتواند از اعضاء خود دفاع نماید

مخبر - چون رئیس آن اداره است ممکن است درباره آن شخص اعمال غرض نماید یا از او طرفداری بکند حق رأی باو داده نشده اما برای توضیح دادن دعوت می شود لکن حق رأی ندارد و این ترتیب برای معاکمه بهتر است

رئیس - ماده ۲۴ قرائت می شود (بهضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۲۴ - مجازاتهای اداری بقرار ذیل است

- ۱ - اخطار کتبی بدون درج در ورقه خدمت
- ۲ - توضیح کتبی با درج در ورقه
- ۳ - کسر حقوق ماهیانه تا یک ثلث از یکماه تا ۶ ماه
- ۴ - انفصال موقت از سه ماه تا یک سال
- ۵ - تنزیل مقام از یکدرجه
- ۶ - انفصال دائم از وزارتخانه ذی مدخل
- ۷ - انفصال دائم از خدمات دولتی

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - بنده این مجازاتها را کم می دانم برای اینکه آخرین درجه مجازات انفصال دائمی است و این مجازات بسیار کم است برای اینکه فلان مأمور مالیه مال مملکت را غارت کرد یا فلان فرمان فرمای ایالت بعد از آنکه یکمده زیادی را

بی خانمان کرد تازه او را محکوم بانفصال دائمی از خدمات دولتی نمایند آنوقت او هم اموالی را که غارت کرده است می برد خانه اش می نشیند و زندگانی می نماید پس عقیده بنده این است که مجازات بالا تراز اینها باشد یعنی علاوه بر جبران خسارات وارده و انفصال دائمی مجاراتی هم داشته باشند و این مجازات که در این قانون نوشته شده است کافی نیست

مخبر - آقای حائری زاده گویا اشتباه کرده اند این مجازات از برای تقصیرات اداری است ولی اگر کسی معاکمه حقوقی داشته باشد او در محکمه عدلیه رسیدگی می شود و اگر محکوم شد باینکه وجوهی برده است تا آخرین دینارش از او گرفته می شود پس قسمت حقوقی معاکمه اش راجع باینجا نیست

رئیس - آقای کازرانی (اجازه)

آقای میرزا علی کازرانی - این قانونی تشخیص مراتب تقصیرات بنظریات اعضاء هیئت حاکمه احاله می کند در صورتی که مسلم است نظریات اشخاص یک تغییرات و تبدیلاتی پیدا میکنند و احساسات شخص اغلب اوقات در حکومت کردن دخالت دارد باین جهت بنده لازم می دانم حالا که مراتب مجازات در اینجامعین شده است مراتب تقصیر هم معین شود که از چه قرار است و اگر غیر از این باشد ممکن است درباره یک نفر مستخدم مقصر احکام مخصوصی بشود و در باره دیگری هم حکم دیگری می نمایند علاوه لازم است مستخدم بدانند که در مقابل این تقصیرچه مجازاتی دارد و در این قانون مجازات معین شده است در حالی که تقصیر معلوم نیست از این جهت بنده لازم می دانم تقصیرات هم ذکر شود

مخبر - عرض کردم این مواد برای معاکمه کافی نیست اگر جناب عالی ده ماده در نظر دارید بنده عرض می کنم که بنجام ماده هم کافی نیست و باید ترتیبات محاکمه و تقصیرات همه در نظام نامه اداری معین شود که کجا توبیخ شفاهی و کجا توبیخ کتبی باید بکنند و کجا کسر حقوق باید بشود علاوه شاید یک مجازاتی بیست طریق تقصیر داشته باشد یعنی بعضی مجازاتها هست کدر مقابل چندین تقصیر داده می شود مثل این که فلان مستخدم در دوسیه قلم برده باشد یا حقوق دیگری را پایمال کرده باشد یا کاغذ ساخته باشد اگر آقایان مایلند تمام اینها در اینجا ذکر شود باید یک فصل همانطور که بنده پیشنهاد کرده بودم باین فصل ملحق نمایند که تمام تقصیرات در آنجا ذکر شود و همچنین طریقه سؤال و جواب و احضار تمام اینها در آن فصل الحاقیه ذکر شود اگر آقایان مایلند یک فلسفی باین ماده ضمیمه شود خوب است پیشنهاد بفرمایند والا

بش رای دواتی یا نظامنامه وزارتخانه ها رجوع می شود
رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد دوات آبادی (اجازه)

حاج میرزا علی محمد - بنده از اشخاصی هستم که لازم می دانم در اینجا مراتب تقصیر ذکر شود و اگر ذکر نشود یک ضرر و خسارتی به مردم وارد خواهد آمد و در این قانون هم تعیین مجازات و هم تشخیص تقصیر را به هیئت حاکمه واگذار نموده است آقای مخبر در ماده هفدهم رعایت اقوی را نسبت به اضعف نمودند در اینجا بنده بایشان تذکر می دهم اگر بنا باشد رعایت اقوی و اضعف را بنماید باید در ابتدا بطور معین نوشته شود که اگر یک مستخدمی دو روز غیبت کرد فلان مجازات را دارد آنوقت اگر رئیس اداره باشد همان مجازات را داشته باشد و اگر مستخدم جزء هم باشد همینطور چه طور می شود تفاوت بین رساء و مرتوسین گذاشت باینجهت بنده معتقدم در اینجا درجات تقصیر را بنویسد که اگر یک روز غیبت کرد فلان مجازات و اگر کاغذ ساخت فلان مجازات و اگر فلان تقصیر را کرده فلان مجازات را دارد دیگر این که در این جا مذاکره شد که اگر تقصیرات حقوقی باشد یعنی غارتگری باشد بهحاکم عادی رجوع می شود

در این صورت تقصیراتی دو جنبه حقوقی دارد بهحاکم حقوقی رجوع می شود یا تقصیرات اداری که در اداره معاکمه می شود باید معین شود تا فرقی ما بین اعضاء عالی و دانی گذاشته شود

رئیس - آقای حاج میرزا عبیدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده مخالفم

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله حاج شیخ اسدالله - بنده موافقم

رئیس بفرماید حاج شیخ اسدالله - بنده تصور می کنم بعضی از این فرمایشات بواسطه بی اطلاعی از امور اداری است باینجهت بنده که داخل در ادار نبوده ام و ترتیب اداری را نمی دانم حق دارم تقصیرات اداری را با تقصیرات عمومی مخلوط نمایم در این جا گفته می شود که باید قانون مجازات هم در این جا نوشته شود در صورتیکه قانون مجازات هیچ مربوط به قانون استخدام نیست اینها هر کدام یک ترتیبات مخصوصی دارد و هر کدام یک اصولی دارد و یک موقمی دارد از اینجا گفته

می شود چرا در قانون تصصیرات را معین نکرده اند یا فلان ترتیب را معین نکرده اند ؟

بنده عرض می کنم در هر اداره نظام نامه اداری باید وظایف مستخدمین را از ثبات و منشی سوم تا برسد بوزیر معین کند آنوقت هر کدام از آنها برخلاف وظیفه رفتار کردند

البته تصصیر کرده اند و مجازات هم در این قانون معین است آنوقت تطبیق این تصصیر را با مجازاتهایی که اینجا نوشته شده است بعهده هیئت حاکمه واگذار نموده است باین معنی اگر کسی یکروز غیبت کرد مجازاتش چه چیز است اگر یک ورقه از دوسیه برد مجازات آن چه چیز است اینها باید در حال خودش نوشته شود اینها فقط مجازاتها را معین می کنند که اخطار است اخطار باقی در ورقه خدمت است انفصال موقت و دائم و غیره است این درجات مجازاتی است که ممکن است در باره یک نفر مستخدمی که برخلاف وظیفه رفتار کرده است اجرا نمود

اما حالا فلان تصصیر مطابق با فلان مجازات است آن در جای دیگر باید نوشته شود و مربوط بقانون استخدام نیست تصصیرات عمومی هم قانون مجازات لازم دارد اما اگر بخواهیم تصصیرات عمومی را با تصصیرات اداری بهم مخلوط کنیم آنوقت نمی دانم اسم آن قانون را چه بگذاریم قانون استخدام بگذاریم؟ قانون مجازات بگذاریم؟ نظام نامه بگذاریم؟ بنده هر چه فکرمی کنم نمی دانم چه باید بنویسم .

رئیس آقای حاج میرزا عبدالوهاب اجازه

حاج میرزا عبدالوهاب - بعد از این توضیح آقای حاج شیخ اسدالله عرضی ندارم رئیس پیشنهادات قرائت می شود

شش قره پیشنهاد بمضمون ذیل قرائت شد

پیشنهاد می کنم که در ذیل ماده ۲۴ اضافه شود .

تبصره - مقصر اداری هر گاه تصصیر او موجب خسارت مالی باشد بدولت یا شخص علاوه بر مجازات های فوق باید غرامت خسارت را از عهده برآید

مدرس چون کسر حقوق موافق با مصالح

اداری نیست بنده پیشنهاد می نمایم در ماده بیست و چهارم جمله (کسر حقوق ماهیانه

الی آخر) حذف شود و در عوض نوشته شود (عقب انداختن موعد ترفیع رتبه از

ششماه الی سه سال)

محمدعلی مافی پیشنهاد می کنم بجای سیم نوشته شود

۲ کسر حقوق از یک روزالی شش ماه مدرس

پیشنهاد می کنم در ماده بیست و سوم کلمه (رئیس یا) از بعد متشکی هه حذف شود زیرا که زیادتی است و فرض آن ممکن نیست امین الشریعه

امین الشریعه - این پیشنهاد متعلق به ماده بیست و سوم است

بنده پیشنهاد می کنم که در پایان ماده بیست و چهارم تبصره ذیل اضافه شود

تبصره - درجه و شرح تصصیرات را وزارتخانه های مربوطه مدون و بمجلس مقدس پیشنهاد خواهند کرد

کازرانی این بنده پیشنهاد می کنم که در قانون

استخدام تصصیرات اداری ذکر و تشریح شود و ماده علیحده باشد برای اینکه مجازات

را همینطور که به وقت درجه تقسیم کرده اند هر مجازاتی در مقابل تصصیری معین شود

تا کلیه مستخدمین قبلا از اصل مجازات مسبوق شده تکلیف خود را بدانند

رفعت الدوله رئیس - ماده بیست و پنجم قرائت می شود

(بمضمون ذیل قرائت شد) ماده بیست و پنجم - اجرای مجازات

نسبت بقره اول و دوم از ماده فوق بدون محاکم از وظایف رئیس مافوق و اجرای

فقرات (۲) الی (۷) موقوف بحکم مجلس تحقیق و محاکمه اداری خواهد بود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده می خواهم از آقای مضیر سوال کنم که مجری مجازات

کیست؟ همان محکمه است که رای می دهد یا قوه قضائیه است .

مضیر دو فقره اول خیلی واضح است مثلا کسی غیبت کرده است و در دفتر هم ثبت

شده است امروز غایب بوده فردا او پس فر داهم غایب بود رئیس اداره اول ملامت شفاهی

می کند بعد اگر باز هم غیبت کرد رئیس اداره باو اخطار کتبی می کند که شما

دیروز غایب بودید بیکر فیهت نکند اگر مجددا غیبت کرد این دفعه باو اخطار کتبی

می کنند و در ورقه خدمت او ثبت می کنند که فلانی غیبت کرد و باو اخطار شد چون

مجددا غیبت کرد لهذا این دفعه اخطار را در ورقه خدمت ثبت کردم این چیزی نیست

که رئیس اداره بتواند قلب کند و اگر رئیس اداره این حق را نداشته باشد و از برای یک

روز غیبت محاکمه لازم باشد این غیر ممکن است

رئیس - آقای آقا سید فاضل (اجازه) آقا سید فاضل - بنده گمان می کنم این

مجازات دومی هم که اخطار کتبی با ثبت

در ورقه خدمت است بدون محاکمه یک ظلمی است بجهت اینکه درج در ورقه خدمت مستخدم را لکه دار می کند فقط رئیس اداره می تواند اخطار اولی را بنماید و الا قسمت دوم که اخطار باقی در ورقه خدمت باشد باید محاکمه شود

رئیس چون کسی اجازه نخواسته است پیشنهادات قرائت می شو

(پیشنهاد آقای سالار معظم بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می نمایم بماده ۲۴ افزوده شود در مورد تصصیر های مهم که منجر به

مجازات های نمره و شش و هفت ماده بیست و چهارم می شود محکوم علیه حق دارد شکایت

بمحکمه عالی اداری نماید و حکم محکمه مزبور قاطع است محکمه عالی اداری

تشکیل خواهد یافت از سه نفر از اعضاء شورای دولتی دو نفر از اعضاء دیوان تیز و دو

نفر از اعضاء دیوان محاسبات تا تشکیل محکمه عالی اداری دیوان تمیز مرجع این نوع تظلمات است

رئیس - ماده بیست و ششم (بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۲۶ - هر گاه در ضمن رسیدگی بتحصیرات اداری یک نفر از مستخدمین

مظنون یا کشف شود که مستخدم مزبور مرتکب جنحه یا جنایتی نیز گردیده است

موقتاً از خدمت منفصل و بمحاکم عمومی احاله شود مجلس تحقیق و محاکمه اداری

برای صدور رای منتظر نتیجه قطعی از محاکم عمومی خواهد شد

رئیس - آقای کازرانی (اجازه)

آقا میرزا علی کازرانی - در این قسمت که می گوید از خدمت منفصل خواهد شد

تا نتیجه معلوم مشود بنده مخالفم زیرا ممکن است مستخدمی بجنحه و جنایتی مظنون بشود

و بعد که رجوع بمحاکم عمومی می شود در آنجا محاکمه یکی دو سال بطول انجامد

آنوقت معلوم نیست این بیچاره که مظنون و از خدمت منفصل شده در این مدت چطور

اعاشه و گذران خواهد کرد در صورتی که ممکن است عاقبت هم معلوم شود تصصیری

نداشته است بملاوه مسئله جنحه و جنایت از مسائل عمومی است و ارتباطی با امور اداری

ندارد و ذکرش هم در اینجا بی مناسب است

رئیس - آقای دست غیب هم مخالفند؟

حاج سید محمد باقر دست غیب - بلی مخالفم

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد چطور؟

حاج میرزا علی محمد - بنده هم مخالفم

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بنده موافقم رئیس - بفرمائید

حاج شیخ اسدالله - مظنون بجنحه و جنایت مخصوصاً در موقعی که جنحه و جنایت

متهم کشف شود در هر اداره که باشد باید از شغل خودش مستعفی شود و اگر درست

توجه فرمائید ملاحظه می فرمائید که در همین جا هم نوشته شده است در ضمن رسیدگی

بتحصیرات اداری هر گاه کشف شد که مستخدم مرتکب جنایتی شده باید از شغل

خود مستعفی شود . آقایان چطور تصدیق می کنند که

جانی شد نباید مستعفی بشود؟ البته باقی بودن او خارج از ترتیب اداری است و باید

محاکمه آن بمحکمه عمومی برود و ممکن است محکمه پس از رسیدگی و محاکمه او

را جانی نداند آنوقت جنایتی بوی تعلق نگرفته و در مرتبه بکار خودش معاودت کرد

و حقوق خود را هم دریافت می دارد و خیلی معترطم هست ولی اگر در محکمه رسمی

هم مانند محکمه اداری ثابت شد که جانی است قطعاً باید از کار منفصل نموده و

بیرون برود پس کسی که در محاکمه اداری مظنون بارتکاب جنایت شد نباید متصدی

شغل دولتی خود باشد مگر آنکه برائت زمه خود را در محاکم رسمی حاصل نماید .

مادر قانون استخدام می نویسیم متهم بفساد اخلاق نباید در اداره باشد و مستخدم باید

معروف بسابقه سوء نبوده و بلکه بصفت عمل معروف و به خوش اخلاقی موصوف

باشد باینحال آنوقت اگر کشف شد مستخدمی جانی است مقتضی است گفته شود چنین

کسی باز هم مستخدم دولت باشد؟ خیر بلکه به چنین شخصی باید بگوئیم تشریف ببرید

بیرون تا تکلیف شما معلوم شود بنابراین این ماده خیلی خوب و بجاست

رئیس - آقای دست غیب (اجازه)

حاج سید محمد باقر دست غیب - در این ماده تصصیر اداری و غیر اداری مخلوط

بهم شده برای خاطر اینکه تصصیر اداری را همانطور که در ماده های قبل گفته شد باید

محکمه اداری تشکیل بدهند و در آنجا رسیدگی کنند اما تصصیر عمومی را همانطور

که مذاکره شد و آقایان فرمودند نباید بمحاکم عمومی ارجاع کرده و در آنجا محاکمه

ورسیدگی شود . حالا در این ماده که می گوید اگر

کشف شد مستخدمی مظنون بجنحه یا جنایتی شد به محکمه عمومی ارجاع و محکمه اداری

منتظر رای محکمه عمومی خواهد شد آیا محکمه اداری بمنزله محکمه استیضاح است؟

یعنی می تواند بمحکمه اداری

استیناف مراجعه کند ؟

و در آنجا رسیدگی و محاکمه مجددی می شود حالا من باب مثل عرض می کنم يك نفر از حاکم فارس یا حاکم رشت شکایت می کند که فلان شخص حاکم بمن ظلم کرده و چون شخص متشککی نه حاکم را مستخدمین دولت است مطابق مندرجات این ماده باید از شغل خود منصرف گردیده و در عدلیه محاکمه بشود آنوقت اگر محکوم و معلوم شد که حاکم واقعا ظلم کرده یا دیوستان تومان رشوه گرفته یا يك نفری را بدون استنطاق کشته ...

حاج شیخ اسدالله - با استنطاق هم نمی تواند بکشد

حاج سید محمد باقر - بطوری که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند با استنطاق هم نمی تواند بکشد حالا اگر تقصیر او ثابت شد آیا دوبرتبه از محکمه رسمی همومی باید بر گردد به محکمه اداری و دوباره تشکیل جلسه محاکمه اداری بشود برای این که درست معلوم شود و این محکمه بمنزله استیناف است یا خیر ؟ اگر این طور است که در اینجا هیچ اسمی از آن برده نشده .

مضبر - این ماده نهایت وضوح را دارد و خیلی روشن است مثلا کسی آمد و شکایت کرد که فلان رئیس اداره یا اداره يك ورقه از دوسیه مرا سرقت کرده یا پولی از طرف من گرفته و دوسیه را از بین برده است .

از همان وقت می گویند این شخص مظنون است و باید بعدلیه برود و محاکمه شود اگر در آنجا تبرئه شد باز میرود اداره و آن محاکمه اداری شروع میشود ولی اگر محکوم شد و خواست استیناف بدهد از او استولی در محکمه استیناف عدلیه استیناف خواهد داد و مربوط به محکمه اداری نیست و همینطور تمیز هم می تواند بدهد و در صورتی که از محکمه عالی تمیز که مافوق تمام محاکم است محکوم شد آن وقت مطلقاً باید منصرف شود .

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد .

(اجازه)

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی در ماده دوم شرایط عضویت را محکومیت به جنایت و جنحه که متضمن مجرومیت از استخدام دولتی باشد معین می نماید پس بموجب ماده دوم بطور مطلق جنحه را نمیتوان موجب مجرومیت دانست . خیانت را میتوان مطلقا مسبب مجرومیت مستخدم دانست ولی چنانچه در ماده دوم نوشته شده هر جنحه موجب و مستلزم مجرومیت از کار اداری نیست مگر این کدر این ماده مظنون را از باقی بودن در اداره مجروم نموده اند در صورتی که بعقیده

بنده او نباید منصرف شود البته فرق است میان کسی که جنحه و خیانتش کشف شده باشد تا کسی که مظنون بجنحه باشد انفصال شخص جانی را بنده معتقدم و هیچ نمی دانم ولی شخص مظنون را معتقدم از شغل خود منصرف نشود برای این که در مملکت ما با این وضع حاضر که سرایا محیط تهمت و افراه است معتقد نیستم کسی بصرف مظنونیت از شغل خود منصرف شود و دیگر این که در ماده بعد نوشته اند کسی که بواسطه جنحه و خیانت بعدلیه جاب شود موقتا از شغل خود منصرف است ولی بعداگر تبرئه حاصل کرد می تواند دوباره بر کشت بکار خود نماید و این عبارت بعقیده بنده معنی ندارد زیرا وقتی جنحه و خیانت کسی کشف شد آنوقت دیگر تبرئه معنی ندارد

مضبر - کشف در اداره کافی نیست اگر در عدلیه تقصیر او معلوم شد محکوم است بعلاوه مظنون هم منصرف شود ضروری برای او ندارد اگر تبرئه شد که حقوق خود دریافت میدارد

رئیس - مذاکرات کافی است

(گفتند کافی است)

رئیس - ماده بیست و هفتم قرائت می شود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

هر گاه مستخدمی با اتهام جنحه و یا خیانتی بعدلیه جلب شود از موقع اقامه دعوای در محکمه بر او موقتا از شغل خود منصرف و در صورتیکه برائت ذمه مشارا به حاصل شود

ایام انفصال جزو مدت خدمت رسمی محسوب و حقوق آن مدت را دریافت خواهد نمود

رئیس مخالفی ندارد

آقای میرزا علی کازرانی - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

آقای میرزا علی کازرانی - یکقسمت از شرایط بنده همان مطالبی است که در مواد ۲۵ و ۲۶ مذاکره شد و در این جا هم معتم می شماریم برای تکمیل شرایط خود عرض کنم

اولا - ترتیب اثر دادن بر تهمت خلاف نظامات تمام دنیا است فرضا هم ترتیب اثر دادیم چطور می شود يك کسی را منصرف کنیم و بعد منتظر شویم ببینیم نتیجه محاکمه او چه می شود آیا مبری می شود یا خیر محکوم می گیرد بنابراین بنده با این انفصال

مخالفم بعلاوه ما باید دقت کنیم و به بنم این دسته بندیها و سائسی که برای انداختن یک نفر و روی کار آوردن يك عضو دیگر می شود چه تأثیرات سوئی دارد مخصوصا

اگر اعمال نفودی که از رؤسای ما فوق نسبت بهم توسین می شود در نظر بگیریم و از آن طرف نظرم ان را قدری از مرکز دورتر کرده و عطف توجهی بولایات بنمائیم تصدیق خواهیم نمود که این ماده هملی نیست

مثلا از کرمان تلگرافی به مرکز شد که پیشکار مالیه آنجا يك سرقتی یا يك خیانتی کرده پس از آنکه این تلگراف

مغایره شد و قبل از اینکه رسیدگی او بشود او از شغل خود منصرف شده و احضار به مرکز می شود آنوقت يك مأمور دیگری که رفت طرفداران مأمور اولی بر می دارند يك همچه تلگرافی برای مأمور ثانی به مرکز مغایره می کنند آنوقت او هم باید از شغل منصرف منتظر شود ببیند آن هیبتی که

برای محاکمه بر گرفته شده اند چه وقت اسناد لازمه را از محل مأموریت تحصیل کرده و بدست می آورند و کی اورا محاکمه می کنند و این مسئله شاید مدتها بطول انجامد بعلاوه اینکه نوشته شده هر گاه مستخدمین با اتهام جنحه یا جنایت بعدلیه جلب شود باید از شغل خود منصرف گردد بنده عرض می کنم این جنحه و جنایت دامنه اش خیلی وسیع است

مثلا ممکن است يك سوه ادبی نسبت بشخص محترمی بشود و بگویند جنایت کرد یا فرضاً بنده دستی بصورت کسی میزنم این را جنحه فرض می کنند پس اگر این ماده باقی بماند باید قید شود که غرض از جنحه و جنایت چیست ؟

مضبر - مسئله اتهام که فرمودید مربوط با این موضوع نیست بلکه يك موضوع علیحده خارجی است - مقصود از اتهام این نیست که يك مستخدم را در اداره متهم کنند و بعدلیه جلب کنند بلکه مقصود این است که مثلا امروز اقامه دعوایی سر فلان مستخدم می شود فرضاً آدم کشته یا دزدی کرده است البته باید جلب بعدلیه و محاکم استنطاق بشود آنوقت از موقعی که اقامه دعوای جزائی بر این شخص میشود ناچار باید تمام اوقات در محاکمه حاضر و مشغول استنطاق دادن باشد دیگر وقتی برای کار برایش باقی نمی ماند و کارش بالاخره از دو صورت خارج نیست یا محکوم علیه میشود یا محکوم او اگر محکوم شد که باید محکم محکومیت در باره اش اجرا بشود و اگر هم محکوم نشد که دیگر اشکالی ندارد و بکار خود باقی خواهد بود و حقوق خود را هم دریافت می نماید

رئیس - مذاکرات کافی است (جمعی گفتند کافی است)

رئیس - پیشنهاد آقای شیخ الاسلام قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

مقام محترم مجلس شورای ملی

دامت شو که بنده پیشنهاد می کنم که در ماده (۲۷) این جمله از موقع اقامه دعوا و جمله در محکمه نوشته شود و مظنون شدن وجهه بر او هم حذف شود

رئیس - اگر آقایان موافق باشند چند دقیقه تعطیل میشود

(در اینموقع جلسه برای تنفس تعطیل و بعد از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - ماده بیست و هشتم (فصل چهارم)

(بشرح ذیل خوانده شد)

هموم مستخدمین دولتی حق دارند با رعایت یکی از دو شرط ذیل تقاضا خود را از خدمت بشوهند

۱ - پس از سی سال خدمت

۲ - در صورت داشتن ۶۰ سال عمر و لااقل ده سال خدمت هر گاه تعطیل قوا وضعف و بیبری مانع بشود اگر مایل باشند تا سن هفتاد نیز می توانند مشغول خدمت باشند ولی در ۷۰ سالگی باید حتماً از خدمت معاف شوند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - این که در این ماده نوشته شده در سن هفتاد سالگی تقاعد حتی است آیا شامل وزراء هم میشود یا نه ؟

مضبر - این قانون سرا برای مستخدمین نوشته شده است نه برای وزراء

رئیس - آقای کازرانی (اجازه)

آقای میرزا علی کازرانی - انشاءالله هر وقت تمام ماشین های قانون در مملکت ما بهرکت افتاد و حس کردیم کارها از روی لیاقت و استحقاق باشخاص داده میشود آنوقت البته در آن موقع لازم است برای اشخاصی که بواسطه بیبری و سالیانوردگی

و قدمت در خدمت از با افتاده و ناتوان شده اند قانون وضع کنم و حقوق تقاعدی درباره آنها مقرر و منظور داریم لکن این قانون برای این است که فردا بعضی اینک از مجلس گذشت بموقع اجرا گذارده شود آنوقت آیات تصور می فرمائید اشخاصی که استحقاق دارند حقوق تقاعدی خواهند گرفت؟ بنده که گمان نمی کنم و عقیده دارم امروزه این ماده حذف شود تا انشاءالله اگر بهمان روزی که عرض کردم رسیدیم و در نتیجه اطمینان حاصل کردیم همه چیز از روی استحقاق و لیاقت باشخاص داده می شود آنروز ممکن است همچو ماده وضع کرد والا حالا این ماده قانون فقط بمنافع يك عده معدودی تمام خواهد شد و آنها که استحقاق دارند معروم می مانند و همانکسی که در اثر دسائس و تشبیهات داخل کار شده اند از این ماده هم

باز آنها استفاده خواهند نمود

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - بنده گمان نمی کردم این ماده قابل هیچگونه مخالفتی باشد زیرا با شرایطی که در این قانون هست مستخدمین با کمال دقت انتخاب میشوند و بعد از شصت سال عمر که با کمال صحت و درستی فلان مستخدم بیچاره بدولت خدمت کرده آیا پاداشش این است که از گرسنگی بمیرد؟ آیا یک شخصی که سالها عمر عزیز خود را در نهایت صحت صرف خدمت دولت می کند آنوقت بعد از این مدت مدید وقتی پیرشد مزد و پاداش او این خواهد بود که برود گدائی کند؟ چطور آنوقت که جوان بود و همه نوع دولت از او استفاده می کرد حالا که قوایش در نتیجه ضعف و پیری تحلیل رفته باید برود گدائی کند؟ آقا اشکال فرمودند که شاید من غیر حق چیزی بگسی داده شود یا تبعض و اعمال غرض در بین اعضاء بشود. خوب اگر بخواهم این گونه فرضها را بکنیم اصلاً نباید هیچ قانونی را وضع کنیم زیرا ممکن است تصور شود هر قانون پس از آنکه بعمل عمل آمد سوء استعمال شود بملاوه تأسیس مجلس شورای ملی اساساً برای همین است که در اجرای قانون نظارت داشته باشد که اگر احیاناً یک وزیر خواست از یک ماده قانونی سوء استفاده کند از او سؤال و استبضاح کنند تا آن قانون در موقع خود استعمال شود و این دلیل نمیشود که ما باین واسطه یک مدعا را از حقوق حقه خود محروم نمائیم

رئیس - آقای رکن الملک (اجازه)

رکن الملک - در اینجا نوشته شده

پس از سی سال خدمت سؤال می کنم که این سی سال خدمت شامل قبل از مشروطیت هم می شود یا خیر از بعد از مشروطیت حساب می شود؟

مخبر - حقوق تقاعدی برای مستخدمین فعلی هم منظور و البته کسانی هم که سابق داخل در خدمت رسمی بوده اند برای آنها هم منظور میشود زیرا آنها تقصیری نکرده اند که دولت سابقاً مشروطه نبوده

رئیس - آقای سلطان العلماء (اجازه)

سلطان العلماء - البته آقایان تصدیق خواهند فرمود که حقوق باید در مقابل خدمت داده شود و مگر هم حضرت والا این مطلب را در مجلس می فرمودند که حقوق در مقابل خدمت است قداماً گفته اند. مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد البته این مطالبی که می فرمایند از نقطه نظر اخلاقی خیلی خوب است برای این که یکمده مردم آمده اند و خدمت کرده اند و عمرشان را صرف خدمت بدولت نموده اند حالا که پیری رسیده اند باید یک حقوق بگیرند بنده هم

اخلاقاً مخالف با این عقیده نیستم اما عرض می کنم که اگر آقای مخبر یا حامی مخبر بخواهند یک دعوتی از مردم بکنند یا یک بنای عمومی بسازند اول باید لوازم آنها را تهیه بکنند زیرا اگر لوازم را فراهم ننمودند فردا که مهمانها وارد می شوند اسباب خجلت میزبان خواهد شد و عقلاً او را املات می کنند این ترتیب البته اخلاقاً خیلی خوب است حقوق تقاعدی منحصر باین نیست که می فرمایند کسی عمر خود را صرف خدمت بدولت نمود و پیر شده است حالا که هفتاد سال از عمر او گذشته برود گدائی کند بنده عرض می کنم اگر ممکن باشد البته تمام فترا و اشخاصی که از کار افتاده اند باید رعایت شود ولی برای این مملکت ممکن نیست بملاوه این ماده شامل حال فقیر و غنی هر دو است.

زیرا مستخدم اهم است از دارا و نادر چون عده هستند که هشت سال ، ده سال ، یا نوزده سال خدمت کرده اند و ثروتهای زیاد اندوخته کرده اند و هم حقوق زیاد گرفته و کار کرده اند و هم منت از خود آنها ناراضی بوده حالا هم که انفصال از خدمت پیدا کرده اند و ملت از دست آنها آسوده شده است دیگر باید یک حقوق تقاعدی هم بدهد اینها برای یک مملکتی است که متقن و دارا و صاحب ثروت باشد خوب است شما دقت بفرمائید که این پول را باید از کجی بگیرند و بچه اشخاصی بدهند؟ آن کاسب یا آن دهقان بیچاره که این پول را با هزاران مشقت و زحمت تدارک می کند بکی بدهد و در کجا ثبت کند؟

همکار محترم بنده هم عبارتی گفتند ولی با نزاکت نفرمودند معین است در این مملکت شغل و کار را باندازه حاجت نمی دهند اگر باندازه حاجت بود بنده هم شاید موافقت می کردم این ادارات دولت است که در مرکز می بینیم در ولایات هم عده از مأمورین زائد از حاجت است نه بقدر حاجت اگر مخالفی در این باب پیدا کردم شرح می دهم که علاوه بر حاجت هستند و اگر نصف آنها در ادارات باشند کار اداره را انجام میدهند ممالک با این میزهای زیاد ادارات بر عرض و طول چطور میشود بمتقاعدین و منتظرین خدمت و اشخاصی که بموجب مواد گذشته بدون تقصیر از خدمت منقطع می شوند حقوق داد در صورتی که این را هم تصدیق می فرمائید که هر روزی که روی کار آمدن ممکن است یکدسته را منقطع و یکدسته را متصل نماید آن منقطعین که حقوق خواهند گرفت.

متصلین هم که حقوق بقیه میگیرند منتظرین خدمت هم که حقوق دارند متقاعدین هم که حقوق می گیرند آنوقت مملکتی که عایدات آن منحصر است به مالیات زراعت یا بعضی مالیاتهای دیگر چطور می تواند عهده راز این مخارج بشود؟

در صورتیکه هم مالیات دیگری هم با رعایت فقر و فلاکت اهالی وضع شود چه مستقیم و چه غیر مستقیم بجامه وارد میاید مثلاً هم همین گمرک را مثل میزنیم.

اگر در گمرک مالیاتی علاوه شود به قیمت جنس علاوه خواهد شد مسلم است. این ضرر بجامه وارد می آید هم فقیر باید بدهد هم غنی و هم چنین مالیات مستقالات ضرر آن هم بجامه می خورد برای اینکه وقتی به مستقالات مالیات بستند ارباب ملک هم کرایه را زیاد میکنند.

پس این مواد برای ممالک متدنی خوب است که صد هشتاد و پنج مخارج آن از هواید وزارت فوائد عامه یعنی از منافع راهسازی و کارخانجات و مواد مستخرجه از معادن اداره میشود و بیشتر از صدی بیست و پنج آن را جامه نمی دهد آیا در مملکت ما که تمام مصارف مملکتی را کاسب و زارع و غیره می دهد چطور می توانیم منتظرین خدمت را حقوق بدهیم مستخدمین زیاد را حقوق بدهیم؟

متقاعدین را بدون شرط حقوق بدهیم؟

بلی اگر منصفان از خدمت دارای یک صفاتی باشند یعنی فقیر باشند و مؤنه نداشته باشند بنده تصویب میکنم والا بنده بنام حفظ حقوق موکلین خود با حقوق متقاعدین بدون شرط مخالفت می نمایم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - عرض بنده این است که این شرح مفصل آقا ربطی باین هم ندارد و راجع بماده بیست و نهم است. محمد هاشم میرزا - اگر مربوط باین ماده نبود آقای رئیس می فرمودند.

رئیس - این ماده هم راجع بخواستن حقوق است.

آقا سید یعقوب - اگر مربوط باین ماده است جواب او حاضر است اجازه میفرمائید بنده عرض کنم

رئیس - بفرمائید.

آقا سید یعقوب - مکرر در این مجلس صحبت شد قانونی که گذارده می شود نظر با افراد نادره نیست بلکه نسبت به عموم و اکثر است اولاً این قانون راجع بوزراء نیست این قانون راجع باشخاص است که در ادارات مستخدم هستند ما چطور می توانیم نسبت به کسیکه سنش به هفتاد سال رسیده و خدمت کرد حقوق ندهم.

در شرح مطهر هم اگر کسی غلام داشته باشد هفت سال یا بقولی چهارده سال خدمت کرده باشد آزاد میشود.

آقا میرزا علی کازرانی - اینطور نیست باختیار صاحب او است مجبور نیست آقا سید یعقوب - پس شما اطلاع

ندارید بنده فردا برای شما کتاب فقه را می آوریم شما نه فقیه هستید و نه از فقه اطلاع دارید اما آمدم نسبت به مستخدمین کسیکه سی سال خدمت کرده باشد و سرمایه زندگی اوفقط خدمتش باشد آیا باید در موقع پیری برای او حقوق تقاعد قرار بدهم آنوقت آن بدبخت در مابقی عمرش امور معاشیه خود را چطور اداره کند؟

فرضاً از پدرش برای او یک ارثی رسیده باشد چه ربطی بدولت دارد.

بعقیده بنده باید به مستخدمین پاداش داده شود و رعایت ایام پیری آنها بشود تا بتوانند از روی حقیقت خدمت کنند.

رئیس - آقای سلیمان میرزا موافقت.

سلیمان میرزا - بلی موافقم.

رئیس - آقای نصرت الدوله - بنده هم موافقم.

نصرت الدوله - بنده هم موافقم.

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله شما هم موافقت.

حاج شیخ اسدالله - بلی.

رئیس - آقای آقا سید فاضل چطور.

آقا سید فاضل - بنده مخالفم.

رئیس - بفرمائید.

آقا سید فاضل - بنده تناسبی در این دو شرط نمی بینم برای اینکه در این ماده می نویسد عموم مستخدمین دولتی حق دارند با رعایت یکی از دو شرط ذیل تقاعد خود را از خدمت بخواهند.

اول - پس از سی سال خدمت.

دویم - در صورت داشتن شصت سال عمر و لا اقل ده سال خدمت.

بنده هیچ فلسفه برای اشخاص شصت ساله که ده سال خدمت کنند نمی دانم و پیشنهاد میکنم حد اقلش پانزده یا بیست سال باشد.

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - اولاً در مسئله حقوق تقاعدی بنده عقیده ام ما فوق اینها است بنده می گویم تمام اشخاص حتی کارگرا و فقیر باید در مواقع پیری از صندوق عموم پول بگیرند فرق نمیکند چه اجزاء ادارات باشند چه کارگر همه برای جامعه خدمت می کنند.

وقتی پیر شدند باید مخارج آنها را ملت بدهد و چون این اولین قدمی است که برای آن مقصود باطنی بنده برداشته می شود.

یعنی برای یک قسمت از مردم حقوق تقاعدی معین می کنیم نهایت موافقت دارم و همینطور امیدوارم قانون روابط مابین مالک و رعیت و کارگر با کارفرما هم

از این مجلس بگذرد و عامه ملت از او استفاده کنند و راحت باشند یعنی تا کارگر بنیه دارد و قوی است کارفرما از او استفاده نکند و همین که ضعیف شود دید از دست او کار بر نمی آید خدای نخواستہ مثل عوامل کاری او را بخورند یا دوریاندازید خیر این طور نیست باید جامعه قدر خدمات آنها را بشناسد و وقتیکه پیر شدند و کار از دست آنها بر نمی آید یک حقوقی بدهد که از گرسنگی نمی روند.

حالا آمدیم در مسئله مستخدمین شما که تکلیف می فرمائید خلاف نکنند و دزدی نکنند خیانت نکنند و از راههای غیر مشروع استفاده نکنند یا مجازاتهایی که در ماده قبل برای آنها تهیه فرموده اید با همه این صحیح و درستی و اخلاق سی سال در این مملکت زحمت بکشند خدمت بکنند آنوقت آیا حق باو نمی دهید که بگوید می خواهم راحت بکنم.

هم چنین کسی که شصت سال داشته باشد اگر ده سال خدمت کرده باشد این حق را دارد بعلاوه ماده بعد را ملاحظه فرمائید که نسبت به مدت خدمت حقوق تقاعد داده می شود.

یعنی یک شصتم حد متوسط حقوق سه ساله اخیر ضرب در مدت خدمت اومی شود یعنی اگر کسی ده سال خدمت کرده باشد و حقوق تقاعد نخواهد باندازه ده سال حقوق تقاعد باو می دهند و اگر سی سال خدمت کرده باشد باندازه سی سال پس بهر باندازه که برای جامعه زحمت کشیده باشند بهمان نسبت حقوق تقاعد بآنها داده می شود و اگر حقوق تقاعد برای کارکنان معین نشود هیچوقت منتظر نباشید که مردم در فکر درستی صحت بیفتند.

وقتی آتیہ و زمان پیری و شکستگی یک مستخدمی را تأمین نکنید او دیگر بچه دلخوشی باید برای شما کار کند همیشه خواهد گفت تا قوت جوانی من هست مرا بکار و اومی دارند و همین که پیر شدم مرا از بکار باز می دارید پس باید از حالا در فکر پیری باشیم.

بنا بر این از راه غیر مشروع هم استفاده می کنند که زمان پیری خود را تأمین کنند این است که این ماده برای حق شناسی از خدمات مستخدمین پیشنهاد شده است و گمان می کنم این یگانہ ماده است که مستخدمین را ترغیب بدرسی و راستی می کند و معین می کند که اگر درستی بخرج دادند و با صحت خدمت کردند پاداش آنها خواهد رسید و در پیری پریشان نخواهند ماند این که می فرمائید باید حمایت از وضعاً و فقرا بشود

جواباً عرض میکنم اینجا گفتگوی کار

کردن است هر کس کار کرد فلاقت در اجرت می گردد.

اینجا دیگر راجع بفقراء و ضعفا نیست ما کار می خواهیم در مورد دیگر هم حتی -- الامکان سعی کرده ایم که نفوذهای شخصی نوسبیه هابستگی ها، از میان برود و امتیاز فصلی مناظ اعتبار باشد و برای دولت هیچ فرق ندارد مستخدمینش هر کس بخواهد باشد و فقط از برای پاس خدمات باید بآنها حقوق داده شود.

مدرس - بنده هم اجازه خواسته بودم

رئیس - مخالفید؟

مدرس - خیر موافقم.

رئیس - آقای دستغیب چگونه؟

حاج سید محمد باقر دستغیب - خیر مخالفم.

حاج سید محمد باقر - بنده این طور گمان می کنم که فرمایشات شاهزاده سلیمان میرزا را از موضوع خارج بود.

موضوع مذاکره کارگر و مالک نیست موضوع مستخدم دولت است.

البته کاملاً فرمایش ایشان را تصدیق دارم که باید کارگر ورعاً را اعانت کرد و باید یک مجامعی تهیه کرد که فقراء از گرسنگی نمی روند البته این مسئله بجای خودش خیلی خوب و بآن دلیل و منطقی که فرمودند صحیح است

ولی فرمایش آقای سلطان العلماء بود که این مستخدمین که کار کرده اند دولت باید بآنها حقوق تقاعد بدهد و قسم اند.

یکی آنستکه هفتاد سال از عمرش گذشته و خدمت هم کرده ولی چیزی ندارد البته دولت باید بآنها پاداش بدهد و یکی هم خدمت کرده و پس از مدت خدمت داراست اگر بآنها هم حقوق بدهد بفقراء ظلم شده است.

بنده عرض می کنم پاداش منحصر به حقوق دادن نیست چیزهای دیگری هم هست که می شود او مثلاً کسیکه هفتاد سال خدمت کرده برای اینکه دولت از او قدردانی کند ممکن است یک امتیازی باو بدهند و یک تشریفات و ترغیباتی از او بکنند.

ولی کسیکه چیزی ندارد درباره او دولت حقوقی معین کند خیلی خوب است ولی راجع بقسمت اول می تواند بگوید آقای فلان آقای اشراف، آقای پولدار، آقای ملاک شما می توانید از این حق گذشت کنید و باو چیزی ندهد.

رئیس - مذاکرات کافی است دو فقره پیشنهاد رسیده است قرائت می شود.

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم در شرط دوم ماده (۲۸) در اشخاص شصت سال حداقل خدمت بیست سال یا پانزده سال قید

سید فاضل کاشانی
پیشنهاد می نمایم در ماده ۲۸ بجای (اگر مایل باشند) این طور نوشته شود (مایل باشند)

سیدالمحققین
رئیس - بقیه مذاکرات می ماند برای جلسه بعد.

جلسه آتیہ روز سه شنبه دستور هم موضوع شهریه ها خواهد بود. آقای ممتد - التجار.

(اجازه)

معمدالتجار - بنده راجع بحکلیه اوضاع مملکت خاصه راجع بوضع آذربایجان هریضی داشتم می خواستم بعرض برسانم ولی چون وقت گذشته اگر اجازه می دهید در جلسه آتیہ عرض کنم.

رئیس - مخالفی نیست

د اظهاری نشد

در جلسه آتیہ اظهار بفرمائید.

مجلس یک ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد.

موتن الملک

جلسه یکصد و هیجدهم

صورت مشروح مجلس دوم سه شنبه دوم اسد ۱۰۳۱ مطابق

۲۹ ذی قعدة الحرام ۱۳۴۰

مجلس تقریباً یکساعت قبل از ظهر بریاست آقای موتن الملک تشکیل گردید

صورت مجلس سوم ۵ شنبه ۲۹ سرطان را آقای امیر ناصر قرائت نمودند

رئیس - گویا ملاحظاتی نسبت بصورت جلسه نباشد

گفته شد خیر

رئیس - صورت جلسه تصویب شد.

خاطر آقایان مسبوق است که سابق از طرف دولت کتابچه راجع بمستمریات بمجلس فرستاده شده بود آن کتابچه بکمسیون بودجه مراجعه شد و کمسیون هم در جلسات حدیده مذاکرات زیادی در آن خصوص نموده

اخیراً از طرف دولت لایحه جدید رسیده و تقاضا شده است که ششصد و هشتاد هزار تومان بدولت اعتبار داده شود که مستمریات

امساله را موافق سنوات ماضیه بپردازند این لایحه مراجعه می شود بکمسیون بودجه

رایورتی که در کمسیون داده می شود در جلسات بعد مطرح مذاکره خواهد شد بالفعل مسئله شهریه ها جزو دستور است یک مسئله دیگر هم که باید بعرض آقایان برسانم مسئله اهالی ارومیه است چند روز قبل کمسیون

برای این امر انتخاب شد و رایورتها از عملیات خود نوشته است که بعرض آقایان میرسد و اگر مذاکراتی لازم باشد موکول بجلسه بعد می شود

آقای مستشار السلطنه مخبر کمسیون

رایورت مزبور را بشرح ذیل قرائت نمودند بطوریکه خاطر آقایان نمایندگان محترم مسبوق است پس از مراجعه و تظلم جمعی مهاجرین ارومیه حاضرین مرکز مجلس شورای ملی انتخاب یک کمسیون نه نفری را تصویب و منتخب گردید

کمسیون مزبور پس از تحقیق حالات متظلمین فعلی و مراجعه بدوسیه هائی که راجع به تظلمات عموم ارومیه ها رسیده بود و مطالعه دوسیه جمع آوری و اعانه بنام فارت شده کان آن نواحی و تقسیم مبلغی از این اعانه بین آنها وظیفه خود را در این دانست که بدو برای رفع عسرت عده حاضر در مرکز اقدام عاجلی بطریق ذیل بعمل آورد

بوجب صورتی که تهیه شده عده حاضر در مرکز دیست و پنجاه نفر هستند عجمالتاً تصویب شد که از بیست و هفتم سرطان تا مدت بیست روز از طرف وزارت چلبه مالیه با حضور یک نفر از اداره مباشرت مجلس و اطلاع اداره نظمیہ بعرض دو قران و پنج قران بپردازند این مبلغ که تخمیناً یک هزار تومان می شود جزو وجوه اعانه محسوب خواهد شد

در آتیہ نظر باینکه عده از این جمعیت صنعت کاروزار هستند با مراجعه به ریاست کل خالصجات و مذاکره با نمایندگان چلبه جنک و نظمیہ و بصدیه تصمیم گرفته شد که برای هر یک از این عده شغل مناسبی تهیه شود که در مقابل اجرت اخذ و اعانه نمایند و در این باب مراجعه به نظمیہ شد که هویت این عده را تشخیص و بمقامات مزبوره توصیه نماید و بنده که عجزه و ضعفا هستند با چند نفر از معروفین که از عوارض علاقہ خود مجروح و مند مبلغی بعنوان مدد معاش موقتاً پرداخت شود که بعد از وصول وجوه اعانه موضوع گردد و بالاخره برای اینکه کمسیون بتواند بحالت اسف آور این امر خاتمه داده و وجوهی که فعلاً مطابق صورت حساب باقی است وصول و بفارت زده کان نواحی ارومیه سلدوز سلماسی با یک اصولی که بعداً اتخاذ میشود برسانند اختیاری بشرح ذیل از مجلس مقدس تقاضا می نماید (به کمسیون ارومیه اختیار داده می شود در وصول وجوه اعانه ارومیه بطریق مقتضی اقدامات لازم بعمل آورده وصول نماید)

رئیس - این رایورت طبع و توزیع شده و بعد مطرح خواهد شد بالفعل رایورت کمسیون بودجه راجع بشهریه ها مطرح است

(آقای منتصر الملک بمنمونی ذیل قرائت نمودند)

ماده اول - کلیه شهریه هائی که بالغ به ۵۰ تومان است من دون استثناً تمام پرداخته شود

ماده دوم - شهریه هائی که متجاوز

از ۵۰ تومان است پس از وضع ۵۰ تومان اول که مشمول ماده اول است و بتمام پرداخت می شود نسبت به بازاد آن تومانهاسه قران کسر و بقیه پرداخت می شود

ماده سوم، کلیه شهریه ها مادام الحیوة و پس از فوت صاحب آن ضبط دولت خواهد شد

ماده چهارم، مستیریاتی که شهریه شده مشمول مواد فوق است مگر اینکه صاحبان آنها ارجاع به مستمریات را تقاضا نمایند

ماده پنجم - برای اجرای مواد این قانون مبلغ شهریه نسبت به سهمی که بهر یک نفر میرسد محسوب خواهد شد (فیروز)

رئیس - مذاکرات در کلیات است آقای کازرونی در کلیات مخالفتند

آقای میرزا علی کازرونی - بلی رئیس - بفرمائید

میرزا علی کازرونی - بنده این کتابچه را مطالعه کردم و هر چه دقت کردم شاید یک مدرک و سندی بدست آورم که با آن جهت بتوانم این کتابچه را تصویب کنم ندیدم و ابتدا نفهمیدم این ارقامی که در این کتابچه نوشته شده بواسطه سابقه خدمات شان است که حقوق و شهریه می دهند؟ دیدم بعضی خائنین هم در جزء آنها است و اگر بواسطه خیانتشان است دیدم بعضی خادمین هم در جزو آن اسامی است اگر بواسطه پیریشان است دیدم بعضی جوانها هم ذکر شده اگر بواسطه استحقاق است دیدم مردمان خیلی متمول هم جزو آنها هستند اگر بواسطه این است که وسیله معاش و ارتزاق ندارند؟ دیدم دکترا هم که می توانند بواسطه تحصیل معاش خود را بنمایند از شغل و کار مهم خودشان دست کشیده و در گوشه قناعت کرده و به معین حقوق بسر می برند و عاقبت نفهمیدم از روی چه مدرک بعضی کم شده و بعضی مقطوع شده و بالاخره بنده هر چه دقت می کنم می بینم و کالتی که من دارم محدود است من از طرف ملت نماینده هستم و باید نظریات آنها را بموقع عمل بگذارم و برخلاف نظریه آنها گمان نمی کنم بتوانم کاری بکنم و گمان نمی کنم ملت ایران راضی باشند در چنین موقعی که دولت دچار فقر و فلاکت است یک هیچ حقوقی بدون مدرک و دلیل باشخاص داده شود که در حقیقت آنها تنبیل بشوند علاوه بر این اگر یک مراجعه بقانون اسلامی بکنیم می بینم باید بیت المال مسلمین را از روی مدرک و دلیل بعضی اشخاص بدهیم ولی حالا ملاحظه می کنم فلان آقا که هزار تومان شهریه برایش معین شده هم حکومت یک ایالت را دارد هم دهات زیاد دارد هم ثروت دارد هم از آن حکومتی که دارد عایدات فوق العاده تحصیل می کند باز شهریه هم می گیرد و همچنین بعضی اشخاص که یک

خیانتهای فوق العاده و برجسته کرده اند مع ذلک برای آنها هم حقوق معین شده و بعضی اشخاصی که یک مجاهدتی کرده اند یک حقوق کمی برای آنها هم منظور شده اگر در حقیقت حقوق برابر است استحقاق باید داده شود اشخاصی هستند که سابقه فداکاری در راه مشروطیت داشته و دفاع از وطن مقدس خودشان کرده اند باید به آنها حقوق بدهند و کمک کنند تا اینکه افکار ملت زنده و برای اینکه در آتیه بواسطه این حسن اقدام و توجه مجلس مقدس شورای ملی یک عده مردم دیگر هم برای فداکاری مملکت حاضر بشوند و اگر چنین ارقامی برای این قبیل اشخاص بمجلس مقدس میشد بنده استقبال می کردم و قبول هم می کردم ولی اکنون با این ارقام مخالفم و بهیچ دلیل نمی توانم نه از برای دیانت نه از برای رکالت نه از روی حقانیت یکی از این ارقام را تصویب کنم منتهی اگر بعضی اشخاص استحقاق دارند آنها باید مجری شوند و سابقه خدمت و دلیل حسن خدمت شان را بمجلس بیاورند آنها را مطالعه کنیم شاید بنده هم بعد از ملاحظه تصویب کنم ولیکن با این ترتیبی که این لایحه آمده بطور کلی بدون اینکه داخل اشخاص بشوم و اشخاص را بشناسم و یا سابقه خدمتشان را بدانم نمی توانم تصویب کنم و امیدوارم خدا هم ببندد مدد کند

نصرت الدوله مخبر کمیسیون بودجه - بنده تصور می کنم مذاکرات امروز مجلس شورای ملی از هر حیث قابل این است که آقایان با کمال دقت و مطالعه در اطراف قضیه حکمیت نمایند چیزی که از طرف مقام ریاست مطرح مذاکره قرارداد شده را بپورت کمیسیون بودجه است که با وجود اینکه هر یک از آقایان طبع شده آن را بپورت را در دست داشتند باز یکی از آقایان منشیان مجدداً آنرا قرائت نمودند و چنانچه ملاحظه فرمودید هیچ یک از مواد این راپورت اشاره باشخاص و جرح تمیلهائی که سابقاً کمیسیون بودجه در نظر گرفته بودند نموده است کمیسیون بودجه در نظر داشت یک کلماتی را اقتضای نماید و از روی آن کلیات یک تکلیفی برای شهریه ها تعیین کند کمیسیون بودجه یک تجربه حاصل نموده است که تصور می کنم برای آقایانی که اینجا حاضرند برای اینکه خودشان را دچار آن مشکلات نفرمایند کافی باشد و آن تجربه این بود در موقعی که کتابچه شهریه ها بطبع رسیده و همه آقایان آنرا ملاحظه نموده اند کمیسیون بودجه در نظر گرفت که همانطور که آقای کازرونی تکلیف نمودند داخل در افراد شود و جز بجزء آنرا ملاحظه نماید و نیز خواست برای تصویب و عدم تصویب آن حقوق یک مدرک و ملاکی از نقطه نظر استحقاق و خدمت یا نقطه نظر دیگری بدست آورد ولی این کتابچه چنانچه ملاحظه می فرمائید

حاوی ششصد قلم شهریه است که در کمیسیون بودجه با حضور هیجده نفر از وکلا مطرح شده است و در یک قسمت همده آن بنده بواسطه کسالت غایب بودم ولی در آن قسمت که حاضر بودم از این ششصد قلم شاید غیر از پنجاه الی شصت قلم آنرا هیچ یک از اعضاء کمیسیون نمیشناختند و نمیدانستند این اشخاص مستحق هستند یا خیر؟ هائله دارند یا ندارند؟ لذا کمیسیون برای کسب اطلاعات یک نفر نماینده از وزارت مالیه خواست و بعد از آنکه نماینده وزارت مالیه حاضر شد کمیسیون یک تحقیقاتی راجع باین اشخاص از نماینده وزارت مالیه نمود یک تحقیقاتی هم در خارج از اشخاص که بآنها مراجعه می کردند نمود بعد از این مقدمات و پس از یکمرتبه زحمات و تجربیات بر کمیسیون معلوم شد که حقیقتاً بواسطه حرفهای مختلفی که زده می شود و بواسطه اطلاعات مناقض و معاری که راجع بآنها با اعضاء کمیسیون میرسد اگر بخواهید این رویه را تعقیب کنید شاید نتواند مطمئن باشند که تا آخرین قدم مطابق حق صحت رفتار نموده باشند باین ملاحظه بود که بعد از چهار ماه زحمت تصمیم گرفته شد که یک رویه دیگری اتخاذ نمود که اگر در اتخاذ رویه هم یک خلاف عدلی می شود لا اقل یک خلاف عدل بالسویه و بدون دخول در اشخاص باشد تا آن نظریه مأخوذه بهیچ شایه غرض و ملاحظه از اشخاص و بهیچ محبت و شفقتی اطلاق نشود آقای کازرونی در ضمن شور در کلیات راپورت کمیسیون اعتراضاتی باین کتابچه فرمودند (حالا عرض می کنم این کتابچه همان کتاب چه اولی بیست هادی دولت است) باید دانست این کتابچه شامل بعضی حقوق هائی است که در فیهت مجلس شورای ملی دولتهای وقت با امراعات یک مقتضیاتی تصویب کرده اند و امروز بایباید مجلس شورای ملی در روی تمام آنها خط بطلان و نسخ بکشد و یا اینکه تمام را تأیید و بر قرار کند و در حقیقت اگر بخواهم نظیری برای آن پیدا نمایم این معامله امروزی همان معامله است که در سته قوی بیل باتمام شهریه ها و مستمریات و مواجبهای قبل از افتتاح مجلس کردند و در آن موقع هم مجلس مصادف بود با یک حقوق هائی که برای اشخاص بموجب قوانین و احکام معین و برقرار شده بود مجلس در آنها مطالعاتی کرد یک قسمت از آنها را تصویب و قسمت دیگر را بر گرداند و یک قسمتی را هم شاید قطع نمود این کاری را که امروز مجلس می خواهد بکند نظیر همان کار است و مقایسه آن بسیار سهل می باشد ولی چنانچه عرض کردم بعد از مطالعه و تجربه کمیسیون بودجه باین نتیجه رسید که هر گاه یک نوع حکم کلی اتخاذ شود و داخل افراد و اسامی نشویم اصلح است بلی گمان می کنم اگر درست فرصت بود ممکن بود اطلاعات کافی از وضع زندگانی و ترتیبات فردا فردا شخصی که اسامیشان در این کتاب چه نوشته شده بدست آورد ولی این فرصت

برای کمیسیون نبود به علاوه اکثر این حقوقات راجع باشخاصی است که در آنها مدرک استحقاق و فقر کاملاً موجود است حالا اگر آقای کازرونی با یک متعرض محترم دیگر ببیند ایراد کند و سوال بفرماید که آیا ما موظف هستیم از جمیع اشخاص مستحق دستگیری و اعانت کنیم و آیا مستحق فقط منحصر باین عده محدود دیگر در این مملکت مستحق نیست؟

بنده از حالا جواب این اعتراضات را عرض می کنم البته دولت و مملکت از مالیات و از بیت المال باید تا حدی مراعات استحقاق اشخاص را بکند علی الخصوص اگر یک خطوط ربطیه و وصلیه هم بین آن اشخاص و دولت موجود باشد

مثلاً یا ورته مستحق مستخدمین دولت باشد یا بواسطه خدمت در امور دولتی مستحق تقاعد باشد و انشاء الله از این بیمه برای حقوق تقاعد و از باب وظایف یک اصول صحیحی اتخاذ خواهد شد ولی مادر سابق که این اصول را نداشتیم ما از این مسئله همه وقت منظور نظر دولتهای وقت بوده و مسلم است دولت و مجلس رعیت و مملکت باید یک قسمت از مالیات خود را باین مصرف برساند علی الخصوص در یک مملکتی مثل مملکت ما زیرا همانطور که مکرر در این جا گفته شد وضع قانون در هر مملکتی برای مقتضیات و احتیاجات آن مملکت است اگر مرا بعه باوضاع حاضره مملکت بفرمائید

ملاحظه خواهید فرمود فقر عمومی و بیکاری و موجود نبودن اسباب کار و عدم وسائل تهیه ثروت تمام مملکت را فرا گرفته و در نتیجه اعطای حقوق تقاعد باین قسمت از اشخاص ایجاب کرده است و این مسئله منحصر باین دوره نبوده بلکه از صد و پنجاه سال قبل و از قدیم الایام هم سابقه داشته است مادر مملکتی که فقر عمومی تا این درجه است و متأسفانه غیر از کار دولتی تقریباً کار دیگری وجود ندارد این مسئله خودش یک تهاجمات و مزاحماتی در هر عصر و هر دوره برای دولتهای وقت تولید می کند بیشتر باید این مسئله رعایت بشود و چون در شور مواد هنوز داخل نشده ایم اعتراضاتی از طرف آقایان نشده بنده هم راجع بمواد چیزی عرض نمی کنم ولی نسبت بکلیات عرض می کنم که با ملاحظه و در نظر گرفتن بتمام اطراف کار و اینکه اکثر اشخاص کسانی هستند که وسیله معیشت زندگانیشان فقط منحصر باین شهریه است و همین طور تکلیفشان معوق مانده این رویه اتخاذ شده

لذا از آقایان استدعا دارم توجهی فرمایند و هر تصمیمی که باید گرفته شود سریعتر و قطعی باشد و هر تصمیمی گرفته میشود باید در ضمن یک اصل کلی باشد که زودتر

بجه مطلوبه حاصل شود والا اگر کسی خواهد اعتراضات و ایراداتی در اطراف این لایحه کمیسیون بودجه بنماید ممکن است پنج یا هشت ماده اسم از این صورت را رد دارد و یک دلالی هم هستی بوده و از این نقطه یک حقوق و شهریه رای آنها منظور و معین کرده اند تکلیف این ماده را قانون استخدام که از مجلس می گذرد و معین میکند همان اصلی که در قانون استخدام اتخاذ شده که شصت یک صد متوسط حقوق سه سال اخیر ضرب در سنوات خدمت بشود و در باره آنها برقرار شود تکلیف آنها را کاملاً معلوم خواهد کرد و از روی همان اصل متخذ رفتار خواهد شد و دیگر لازم نیست در این جا تصویب شود یک قسمت دیگر کسانی هستند که بجهت مخارج تحصیل شهریه در باره آنها منظور شده و این قسمت را هم بنده عقیده دارم بودجه اش ضمیمه وزارت معارف شده و از روی ترتیب ایافت و معلومات آنها که در موقع امتحان و آزمایش در باره آنها چیزی منظور بود.

این صحیح نیست که یک دسته اطفال متولین شهریه بگیرند و تحصیلشان تمام کنند و یک دسته از فقرا بواسطه نداشتن معاش از تحصیل باز بمانند یک دسته هم هستند که در راه مشروطیت و آزادی خدماتی کرده اند.

مثلاً مجاهد بوداند و پایشان گلوله خورده یا کشته شده اند البته ملت باید از آنها قدر دانی کند و برای ورثه آنها شهریه برقرار نماید اسامی این ها را هم خوب است دولت معلوم کرده و بمجلس بیاورد ما هم رای بدهیم کمک خرجی بآنها داده شود و بقیه داریم موکلین ما هم راضی هستند بورثه کسانی که رشته رقیب را از گردن آنها برداشته اند و خدماتی کرده اند حقوقی داده شود یک قسمت هم مفت خوار هائی هستند که دولتهای وقت را هومی کردند و هر روز یک لباس در میامده اند یک روز بلباس استبداد و یک روز بلباس مشروطه و قس هلی هذا و اسباب درد سر و زحمت دولت بوده اند و دولت های وقت هم برای رفع درد سر خودشان از کلبه ملت بآنها مبالغی بخشیده اند و این ماله مملکت ارت پدیری مانیت که مالا یقطع و بیهوده آنرا ببخشیم و بهر کدام از آنها مثلاً ماهی پنجاه تومان بدهیم و ابداً اصلاح نیست بشصده تومان یا بیشتر از رهبت بدبختی که یکمیش سال گوشت پیدانی کنند بگیریم و بآنها بدهیم و بالاخره یکدسته دیگر فقرا و بجهت هستند که حقیقتاً استحقاق دارند خوب است دولت یا پولی که بآنها می دهد هر یک در آنجا جمع کرده تکفل مخارج آنها را بنماید و الا بعنوان شهریه مفت خوار درست کردن وی کار کردن عده مردم که هم روز

وقت خود را در اداره و ظایف صرف کند کار صحیحی نیست و بنده مخالفم
رئیس - آقای امین الشریعه (اجازه نطق)
امین الشریعه - بنده چون عضو کمیسیون بودجه هستم لازم می دانم عقیده خود را عرض کنم اولاً کمیسیون وقتی دارد رسیدگی در اقلام شد خواست داخل در اشخاص شده و تحقیقات افزائی بکند بنده مخالف بودم زیرا این طریق را منتج بنتیجه نمی دانستم البته همانطور که آقای حائری زاده فرمودند باید تشخیص موضوع شود و اشخاصی که استحقاق دارند چه استحقاق از حیث فقر و چه از حیث خدمت بای نحو کان بآنها حقوق داده شود کمیسیون بودجه هم همین مقصود را داشت ولی با اینکه این مطلب صحیح است تشخیص موضوع و مصداقش مشکل است زیرا بعد از اینکه مدتی در تشخیص آن موضوع وقت صرف شود و یک عده از اشخاص مستحق تصویب شوند باز نظایر آنها هم دعوی استحقاق خواهند کرد و در رد و قبول نظایر آن کمیسیون و مجلس چهار یک سلسله محظوراتی می شوند باین فلسفه و منطق بنده و معتقد نه بودم رجوع باقلام بشود بلکه معتقد بودم یک اصول کلی اتخاذ شود زیرا این شهریه ها بر چند قسم است بعضی اقلام این طور بود که صاحبان آن اصلاً دارای مستمری بودند و آن مستمری را تبدیل بشهریه کرده اند و بعضی اقلام اینطور بود که هم مستمری داشته اند و هم مبلغی شهریه و همه را شهریه کرده اند و بعضی اقلام هم اصلاً مستمری نداشته اند و فقط شهریه بود که دولتهای وقت بمناسباتی که لازم دیده بودند داده بودند و چون مدرک اقلام مختلف بود

مثلاً مستمریات آنها همصومه مجلس سابق بود و شاید در همان اشخاص هم غیر ارباب استحقاق بود و هم غیر مستحق و اگر کمیسیون می خواست داخل اقلام بشود بهمان محظوریکه اول عرض کردم بر می خورد این بود که کمیسیون اصولی را که در راپورت به نظر آقایان رسیده اتخاذ کرده

حالا آقایان می فرمایند بعد از اینکه رفع مایقال شده است و این کلی معجز شده برگردند باقلام و چند ماه دیگر هم معطل بشوند و داخل اشخاص و افراد شوند

آقایان خبر ندارند که دسته دسته بهیئت رئیس می آمدند و بتمام دعوی استحقاق می کردند.

ما هم که علم غیب ندارم کمیسیون هم نمی داند حقیقتاً کدام یک مستحقند و کدام

یک مستحق نیستند خدمات آنها را دولتهای وقت تصدیق کرده اند کمیسیون هم بهمان نظر تصویب می نماید.

دیگر اینکه آقایان می فرمایند این اقلام را تفکیک بکنند تفکیک هم قابل اجرا نیست.

بلی شاید در ضمن این اشخاص باشند اشخاصی که حقوق را من دون استحقاق ببرند ولیکن اگر بشوایم تفکیک بکنیم اغلب این طور است که یا از روی استحقاق بود یا از روی خدمت بوطن بوده یا از پدر گشته شده ها هستند یا اینکه زحمات بزرگ در راه مشروطیت کشیده اند و البته تصدیق می فرمایند که قانون هم فرع بر اغلب است یعنی اگر اغلب با مفهوم قانون منطبق شد قانونگذار باید آن را وضع کند والا در هر قانونی ده فرد نادر است که با آن فلسفه که در نظر داخلی قانون است منطبق نیست

ولی واضح قانون نمی تواند آن افراد قبل را در نظر بگیرد و آنرا اصول فلسفی که وضع آن قانون را ایجاد می کند صرف نظر نماید نظر باین مسائل بود که کمیسیون در یک اصول کلی وارد شد و بهترین شکل را اینطور دید که که یک حکم کلی ایجاد بنماید و اقلام را در تحت یک حکم و اصول واحدی وارد آورد همانطور که در راپورت هم خواننده شد که تومانی سه قران کسر کنند و باقی را بدهند و در ضمن جهات سیاسی را هم آقایان باید ملاحظه فرمایند زیرا آن شهریه هائی که مستمری نبوده و دولتهای وقت از روی یک نظریاتی تصویب کرده اند تماماً بدون روزه و مقصود نبوده و بواسطه جهاتی که آنها را ایجاد می کرده است تصویب نموده اند زیرا می بینم در هر یک از آنها جهات سیاسی بوده است الا آن هم بعقیده من از آن موجود است و بعقیده بنده نظریه حفظ حیثیات جامعه صرفه دادن این مبلغ بیشتر از رد کردنش است زیرا بعد از اینکه تصدیق کردیم که باید ملاحظاتی سیاسی را در نظر گرفت و الا آن هم آن ملاحظاتی هست دیگر نمی توان صرف نظر کرد و دوم تر به مواجه با مشکلات شد بنابر این باید آقایان همراهی کرد و این حقوق را بر طبق راپورت کمیسیون تصدیق فرمایند و اینکه می فرمایند باید در این جا صرفه جوئی کرد بنده عرض می کنم صرفه جوئی در قطع حقوق افراد نیست بلکه در حفظ هایدات دولت از تقریب و حیف و میل است باین طریق که آنچه از افراد ملت گرفته می شود وارد صندوق دولت بشود صرفه در این است زیرا جمع کتبه این شهریه ها در ماه پیش از چهل و دوسه هزار تومان بیشتر نیست در صورتیکه یک امین مالیه ممکن است چنانچه مکرر مصداق خارجی پیدا نموده در ظرف یکسال چند هزار تومان تقریب نماید و از صندوق دولت بردارد بنابر این نگاهداری و تحصیل صرفه دولت در

این است که هایدات را از حیف و میل محفوظ داریم البته دولت هم نمی تواند یک حقوق بری نداشته باشد زیرا دولت تاجر نیست که با اصطلاح معروف نان را پشت شیشه بمالد و باید مراعات اشخاص را بکند دولت دولتی است که یک مملکتی را اداره می کند و البته اداره کننده یک جامعه برای حفظ جامعه متحمل مخارج بعضی افرادی که می توانند و خالت در حیثات جمعی داشته باشد بشود چنانچه سلاطین استبدادی هم با اختیارات لانه و لانه صی و یغفل مایشاهو بحکم مایریدی که داشتند و همه مخالف آن بودند با تمام آن اقتدارات نامه ناچار بودند مراعات بعضی چیزها بنماید بعضی اشخاص حقوق و مواجب بدهند چنانچه آقای حاج مغیر السلطنه همین مطالب را بایک طرز خوش در فرا کمیسیون فرمودند و حقیقتاً هم همین طور بود بنا بر این ما هم وقت کنیم و بیک خصوصیات کوچکی نظر بینداخته و مناسبات عمومی و دولتی را از نظر خود محو نکنیم

رئیس - چون وقت گذشته است تصور میکنم بقیه مذاکرات بروز دیگر موکول شود خاطر آقایان مسبوق است راجع بطلب مستخدمین مالیه از آمریکا مدتی بود هیئت دولت مشغول مذاکره بودند امروز لایحه راجع باین مسئله حاضر شده و آقای رئیس الوزراه بنده داده اند و تقاضا نمودند قرائت شود اگر مخالفی نیست قرائت و بعد بکمیسیون بودجه و خارجه ارجاع می شود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

مجلس مقدس شورای ملی شهباده از کانه - چنانکه خاطر آقایان محترم مستحضر است در هر گرام دولت که تصویب مجلس شورای ملی رسیده است نظریات دولت راجع بامور مالیه تشریح و در نظر گرفته شده بود و متخصصین از دول غیر همجوار برای اصلاحات مالیه استخدام شوند در تعقیب این نظریه دولت علیه با دولت اتازونی داخل مذاکره شد استخدام یک عده مستخدمین لایق را برای ادارات وزارت مالیه و غیره تقاضا نمودم و پس از یک سلسله مذاکرات کدر و واشنگتن بعمل آمده دولت اتازونی تقاضای دولت علیه را بجزین قبول تلقی نموده و اینک بموجب تلگراف واصله از واشنگتن دولت مزبور یک نفر از متخصصین لایق خود را موسوم بدکتر (میلیو) برای ریاست کل مالیه ایران معرفی می نماید تحقیقاتی که راجع بمشارالیه بعمل آمده کاملاً رضایت بخش است و مشارالیه یکی از متخصصین لایق و در امور مالیه و اقتصاد عمل و علا دارای مهارت و ایافت نامه است و حاضر است است استخدام دولت ایران را قبول نموده

پس از عقد کتبرات با متخصصین دیگر که براه نمائی و مشورت او استخدام خواهند شد سریمآ روانه ایران شوند اکنون قبل از اینکه راجع با استخدام سایر متخصصین مالبه پیشنهادی تقدیم نمایم لازم است بدو شرایطی را که بین دولت حاضر و دکتر میلیسیو موافقت حاصل شده است بااطلاع مجلس شورای ملی رسانیده با اجازه و تصویب مجلس کتبرات مشارالیه منعقد و سپس مواد کتبرات سایر متخصصین را بمجلس شورای ملی تقدیم می نمایم نظر باینکه لزوم سرهت اصلاحات مالبه تسریع عقد کتبرات مشارالیه و تا کیدور سرعت اعزام او را ایجاب می نماید اینک شرایط استخدام مشارالیه را در ضمن پانزده ماده ذیل پیشنهاد و تصویب آنرا بقرورت تقاضا دارم تا هر چه زودتر سایر متخصصین نیز استخدام و باسرع وسایل روانه ایران شوند

رئیس - مواد کتبرات طبع و توزیع می شود و آقایان مطلع خواهند شد چنانچه عرض کردم این لایحه مراجعه می شود بکمسیون خارجه و کمسیون بودجه - جلسه آتی پس فردا پنج شنبه سه و نیم بظهر مانده است موضوع مذاکرات مسئله شهریه ها خواهد بود

آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - بنده گمان می کنم لایحه را که آآن آقای رئیس الوزراء پیشنهاد فرمودند برای جلسه پس فردا ممکن است حاضر شود چون کمسیون خارجه عصری منعقد است و کمسیون بودجه هم ممکن است فردا صبح منعقد شود بنا بر این اگر آقایان موافق باشند ممکن است در صورتیکه راپورت کمسیون ها حاضر باشد لایحه مستشار ها هم جزو دستور باشد

رئیس - مخالفی نیست (بعضی گفتند خیر)

رئیس - هم لایحه مستشار ها و هم مسئله شهریه جزو دستور پس فردا خواهد بود

(مجلس یک ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)
موتمن الملك

جلسه یکصد و نوزدهم صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه دوم ذیحجه ۱۳۴۰ مطابق چهارم اسد ۱۳۴۰

مجلس تقریباً ۳ ساعت قبل از ظهر برباست آقای موتمن الملك تشکیل گردید (صورت مجلس یوم ۳ شنبه دوم اسد را آقای امیرناصر قرائت نمودند)
رئیس - گویا نسبت بصورت مجلس ملاحظاتی نباشد

اظهاری نشد

رئیس - صورت مجلس تصویب شد دستور امروز اولاً مسئله شهریه ها و بعد لایحه کتبرات رئیس کل مالبه ایران میباشد بالفعل مسئله شهریه ها مطرح است آقای معتمد السلطنه مخالفند ؟

معتمد السلطنه - عرضی ندارم

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا

محمد هاشم میرزا بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

سلیمان میرزا - بنده راجع بدستور

عرضی دارم

رئیس - بفرمائید

سلیمان میرزا - گمان میکنم آقایان همه با بنده موافق باشند دراینکه دستور را مقدم و برجز بکنم یعنی کتبرات کتر (میلیسیو را) مقدم بداریم و بعد راجع بشهریه ها مذاکره شود چون مسئله شهریه ها طول خواهد کشید و احتمال در این جلسه هم تمام نشود

پس بهتر این است ابتدا مسئله کتبرات رئیس کل مالبه مطرح و بعد در شهریه ها مذاکره شود

رئیس - مخالفی نیست ؟ (گفتند خیر)

رئیس - باید این مسئله را عرض کنم برروز که اعلام شد این لایحه بکمسیون بودجه و کمسیون خارجه ارجاع میشود و فراموش شد که عرض کنم باید بکمسیون قوانین مالبه هم مراجعه شود

ولی بکمسیون قوانین مالبه هم مراجعه شود

چنانچه ملاحظه می فرمائید از طرف کمسیون راپورتی هم داده شده که طبع و بین آقایان توزیع گردیده است بالعقل مذاکرات در کلیات است

نصرت الدوله مخبر کمسیون بودجه - در چند جای این لایحه يك اصلاحات عبارتی لازم بود

ولی چون خیلی مهم نبود کمسیون در ضمن راپورت خود آنها را درج نکرد ولی اگر اجازه بفرمائید ممکن است یاد ر موقع خواندن مواد یا قبلاً بنده آنها را متذکر شوم که آقایان در روی لایحه خود اصلاح فرمائید

رئیس - در موقع قرائت مواد گویا بهتر باشد آقای دست غیب مخالفند یا موافق ؟

شیخ الاسلام اصفهانی - بنده قبلاً اجازه خواستم

رئیس - بلی صحیح است بفرمائید شیخ الاسلام - از قدیم گفته اند دایه که بیش از مادر دل سوزی کند باید پستان او را برید ما این اصل را فراموش کرده ایم هفده سال است نشسته ایم که از فرنگستان آدم بیاید مملکت ما را اداره کند در عین

این حال يك اصل دیگری را هم زیر پا گذارده ایم باز از قدیم گفته اند هر ضرری يك عقلی را زیاد میکند ما در این باب ضررها برده ایم ولی عقلمان بآن عقل هفده سال قبل است مگر مستشار نیابور دیم ؟

چرا آوردیم ؟

چه کردند ؟

خرابی فساد - قریب هجده سال است بجهت اداره پست مستشار آورده اند نتیجه چه شد ؟

سی سال قبل پست اصفهان به یزد و کرمان در ظرف چهار پنج روز با اسب برده میشد ولی حالا در ظرف ده الی بیست

الی سی روز با گاو و گاو برده میشود يك نتیجه عمده دیگر هم داده است که این کتابچه است و باید اسم آنرا اختلاس نام گذاشت که يك فقره سند که این آقای مستشار داده اند و تمبرهای احمد شاهی بوشهر را گرفته اند بر حسب قیمت چهل و چهار هزار و هفتصد و نود و شش تومان و پنجاهزار قیمت داشته است از این يك نمونه بقیه مطالب بخوبی معلوم میشود دوازده سال است برای عدلیه مستشار آورده ایم جناب مسیورنی قاضی القضاة مملکت اسلامی ایران

جمعی از نمایندگان اینطور نیست

نصرت الدوله - کی چنین چیزی بوده است ؟

شیخ الاسلام - در ماه شصت و سی سه تومان می گیرد در سال نه هزار و نهصد و نود و شش تومان

دوازده سال آن میشود صد و نوزده هزار و یانصد و پنجاه و دو تومان تقریباً صد و بیست هزار تومان بیک مستشار داده ایم غیر از مخارج دیگر غیر از مصارف اداره مستشاری و غیره ایشان چه کرده اند

فقط در ظرف این دوازده سال يك کتابچه نوشته شده است که عموم اهالی مملکت را بمجلس بدولت شورا ندیده است و همه هم می دانند آن کتابچه را براتی ها نوشته اند محمد هاشم میرزا - تصریح کنید کدام کتابچه است

شیخ الاسلام - مستشار برای قشون آوردیم قریب یکصد کرویر پول دادیم ۱۲ هزار و سرباز صاحب منصب موجود شد

یک وقت آقایان متخصصین باغی شدند جوانهای نازنین ما را برداشته بروند در بیابانها تمام رایایان مرک کردند و خوردشانهم پول ها را برداشتند و رفتند این جناب مسیور رنگساز (خنده حضار) از دهم اکتبر ۱۹۱۶ مسیحی استخدام شده در سالی چهار هزار و سیصد و نود و دو تومان شش سال در ایران تشریف دارند بالغ بر بیست و شش هزار و سیصد و پنجاه و دو تومان مواجب گرفته اند چه کرده اند

يك اخبار واحاده يك اخبار متواتره از ایشان شیوع یافته اخبار احاد این است دوسه نفر شاگرد تدارك کرده اند که دو نفر از آنها را بگلیابگان و یک نفر را بمراق فرستاده اند ولی بر حسب اخبار متواتره این جناب مسیور تا این ساعت بقدر یکشاهی برای ایران کار نکرده است عالم فرانسوی تصدیق میکند که ما سالهای دراز دیگر در علم رنگری بگرد ایرانیهان بپریم آنوقت ما از اروپا معلم برای رنگری می آوریم راپورت کمسیون فوق العاده تحقیق را همه آقایان دارند در صفحه سوم می نویسد :

در این مورد بی مناسبیت نیست که تصدیق عالمانه و منصفانه بکار فرانسوی دانستند بذا ذکر کنم که در اواخر سلطنت شاه شهید نورالله مضجعه بایران آمده و اغلب شهرهای عمده این مملکت را گردش کرده و در مصولات و هنرهای دستی ایرانیان مطالعات بسیار عمیقه نموده و سیاحت نامه از مشهودات خود در ایران مدون و منتشر ساخت در فصل راجع بصنایع ایران تقریباً باین مضمون می نویسد اگر ما اروپائی هادر تمام صنعت ها گوی سبقت ربوده ایم در رنگری و کازری هنوز بگرد صنعت کران ایرانی نرسیده ایم آقایان مستشار ها چه می فرمائید ؟ می فرمائید اداره ممکت ناتوان است باید اصلاح شود و اصلاح کننده لازم است بمبارت دیگر مامریض هستیم و دوالازم داریم بنده تصدیق می کنم مریض هستیم ولی در طرز معالجه و تعیین دوا اشتباه شده است ناتوانی اداره ایران بواسطه وجود مردمان بیسکار و مستخدمین زبانی است که هر کابینه روی کار می آید از فساد از زحمت از هیاوه و بالاخره انتریک این مردمان نمی تواند کار کند ناچار کناره گیری می کنم آقایان اگر علاج درد ایران را می خواهید کار برای بی کار ها پیدا کنید علاج درد با مستشار آوردن نمی شود اگر اطراف این وزارت خانه ها خلوت شود و بگذارند این ایرانی ها بکارهای خود رسیدگی کنند هر ساعت متزلزل و منتظر رنگ تازه نباشند همین ایرانی ها باحسن وجه ایران را اداره می کنند اول سیاست مدار مملکت ما آقای مشیرالدوله هستند در ایام و کانتشان در همین مجلس شورای ملی دوم مرتبه فرمودند که ما از ایرانی ها کسانی که لایق اداره کردن این ملک باشند داریم آیا آقایان حساب فرموده اند که مخارج آقای مستشار چه قدر می شود ؟ یا حساب فرموده اند؟ بنده حساب کرده ام در سال یکصد هزار تومان مخارج این بکنفر مستشار میشود چرا ؟ پانزده هزار دلار مواجب سه هزار دلار مخارج این تقریباً می شود بیست و چهار هزار تومان ..

یکنفر از نمایندگان - چنانقدر

نی شود

شیخ الاسلام سوغومی که خواستیم

دادوستد کنیم کم و زیادش را با هم درست می کنیم جوش نزنید آنوقت در ماده چهارده می نویسد بر رئیس کل مالیه حق داده می شود که در امریکا برای سه سال یا کمتر یکنفر عالم احصائیه و یکنفر منشی امریکائی کزبان فرانسه بداند و یکنفر محرر اجیر کنند و این سه نفر منحصراً برای او خواهد بود و حقوق و مخارج آنها را دولت ایران خواهد داد مخارج این سه نفر رویهم رفته مطابق می شود با مخارج آقای مستشار یعنی بیست و چهار هزار تومان و جمعاً می شود چهل و هشت هزار تومان باز در ماده ۱۴ می نویسد علاوه عده کافی مستخدمین ایرانی که قابل و کاملاً معتمد باشند برای حوایج ادارات مخصوص رئیس کل مالیه از طرف دولت معین خواهند شد. این اداره مستشاری باین عظمت هم تقریباً مخارجش چهل و هشت هزار تومان می شود که روی هم رفته قریب صد هزار تومان می شود یکنفر شخص صحیح القول که گمان می کنیم تمام آقایان نمایندگان هم صحت قول او را تصدیق کنند چند روز قبل به بنده گفت یکی از اعضای که اخیراً از وزارت خانه خارج شده است و سه نفر هم اولاد دارد در همسایگی او یکنفر آزان هست که روزی چهار دانه نان از دولت می گیرد دودانه آنرا باین چهار نفر میرساند (ممکن است آقایان تحقیق کنند تا بدانند شخص گوینده شخص صحیح القولی است) خود آن شخص می گفت اگر این آزان یکروز آن دودانه نان را باین چهار نفر نرساند خودش و اولادهايش از گرسنگی می میرند

آقایان! کدام انصاف کدام مروت حکم میکنند که ماضی هزار تومان حقوق این قبیل مردم را یکنفر مستشار بدیم گفته می شد دول مجبور دول غیر هم جوار شکر می کنیم خدا را که در قضیه نطف شمال این پرده هم پاره شد آقایان را تذکر میدهم به راجعه شماره ۵۲ روزنامه زبان آزاد و ضمیمه آن و شماره ۱۹۲ روزنامه اتحاد که پس از راجعه مطلب مشکوف خواهد شد بنده فدای عصبانی شده ام و شاید باز اگر عرض بکنم مطالبی عرض کنم که صلاح باشد

نصرة الدولة - صحیح است

شیخ الاسلام - این است که

کلام را کوتاه بکنم ولی آقایان را از آقای رئیس مجلس و آقای رئیس الوزراء و تمام آقایان نمایندگان قسم میدهم بانسانیت بشرافت با ایرانیت و بالاخره با سلامت که این آتش را دو مرتبه در ایران روشن نکنند

طباطبائی - مضر کمیون فواین

مالیه - ما قسم خورده ایم

شیخ الاسلام - در خانه عرض

می کنم مستشار دو قسم است يك مستشار اداری يك مستشار فنی بنده منکر مستشار فنی نیستم البته اگر ما بخواهیم مجبزی کنیم باید معلم بیاوریم اگر به خواهیم زراعتمان را اصلاح کنیم باید معلم بیاوریم اگر بخواهیم کارخانه ریسمان بافی قماش بافی کاغذ سازی تأسیس کنیم معلم لازم داریم بنده منکر معلم فنی نیستم با معلم و مستشار اداری که روح حاکمیت ایران و اسلام باو تسلیم شود مخالفم. حضرت ابی عبدالله علیه السلام و هفتاد و یک نفر اصحاب باو فایش خون مبارکشان بجهت استعصام حکومت اسلام ریخته شد یزید منکر پیغمبر و قرآن نبود منکر نماز نبود فقط می گفت من خلیفه خدا هستم

(جمعی از نمایندگان خیر چنین نیست منکر تمام اینها بود)

شیخ الاسلام - حضرت می فرمودند

خلیفه و سیاستمدار اسلامی را باید خدا و رسول خدا معین کنند مقصود این است که سیاستمدار اسلام در نزد خدا عزیز است هر رئیس مجلس هر رئیس الوزراء هر وکیل که بحکومت اسلام خدمت بکند و نگذارد بحکومت اسلام لکه دار شود در دنیا و آخرت هر چه باید ببیند می بیند چنانچه نمونه های این مسئله هم دیده شده هر کس هم برخلاف این رفتار کند خلاف آنرا خواهد دید

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی موافقت یا مخالف؟

حاج میرزا مرتضی - بنده هم مخالفم

رئیس - آقای کازرانی - بنده هم مخالفم

رئیس - آقای تدمین چطور؟

آقا میرزا علی کازرانی - بنده هم مخالفم

رئیس - آقای تدمین چطور؟

تدمین - بنده موافقم

رئیس - بفرمایند

تدمین - متأسفانه ما باندازه ای از

موضوع خارج میشویم و بشاخ و برگرها می پردازیم که مطابق فرمایش آقای شیخ الاسلام بالاخره عصبانی میشوند و يك موضوع مسلم که جزء ضرورت مذهب شیعه است آنهم معکوس می شود یزید کافر مطلق بود مشرک بخدا و رسول بود شماری که یزید می خوانند و نسبتها بیکدیگر بخانواده رسالت میداد البته در نظر آقایان هست کدام کفر از این بالاتر است که بجهت خلافت خون فرزند پیغمبر ریخته شود؟ حالاً بعد از هزار و سیصد سال میشویم که یزید مسلمان بوده و بغداد رسول و غیره معتقد بود این هم حرف شد!

شیخ الاسلام - شاید عقیده شما

چنین باشد که یزید مسلمان بود بنده همچو

حرفی نزد

تدمین - بالاخره خیلی تأسف می

خورم کدر مجلس شورای ملی در مرکز ثقل مملکت اسلامی این حرفهای عجیب و غریب گفته می شود بنده از نقطه نظر اسلامی دفاع کردم اما راجع به فرمایشات آقای ناطق معترم نمی دانم در کدام قسمت وارد شوم آقای شیخ الاسلام بکرات لفظ مستشار را تکرار فرمودند لازم است در این جا خاطر آقایان را تذکر بدهم که این دکتور میلیسیو بعنوان آن مستشاری که آقایان نظر گرفته اند استخدام نشده است ایشان یکنفر رئیس اداری و برای اداره کردن وزارت مالیه استخدام شده اند هیچ وجه نمی شود او را با مستشار عدلیه با مستشار جای دیگر مقایسه کرد و بهترین دلیل بجهت اثبات این مطلب این است که اگر در ابتدای لایحه استخدام و حدود اختیارات دکتور میلیسیو رئیس کل مالیه ایران و بهیچ عنوانی از مستشار ذکر نشده است آن حساب هائی هم که جناب عالی کردید بنده با اینکه مختصری حساب میدانم هر چه فکر کردم بنظر صحیح نیامد و الا خلط مبحث مستخدمین حقوق و مخارج منزل کدر لایحه بری مدت سال نوشته شده بود و ایشان ماهیانه حساب فرموده اند

یکنفر از نمایندگان - حقوق هم - البتانه است

تدمین - بله بجهت آنهم سالیانه است

از این موضوع می گذاریم موضوع دیگری که فرمودند مسئله حقوق آن سه نفر است که یکنفر عالم احصائیه و یکنفر منشی و يك نفر محرر باشد.

آقا اینطور فرمودند که حقوق این

سه نفر هم مقابل با حقوق رئیس مالیه خواهد بود در صورتی که این هم اشتباه است و هیچ وقت حقوق یکنفر عالم احصائیه و دو نفر منشی و محرر باندازه حقوق رئیس مالیه نخواهد شد علاوه حقوق آن سه نفر هنوز معین نشده و دولت موقعی که خواست برای آنها حقوق معین کند البته بهیچاس پیشنهاد خواهد نمود و از مجلس خواهد گذشت يك قسمت دیگر که بنظر بنده خیلی جالب دقت بود این بود که در لایحه نوشته شده دولت يك بنده اعضاء لایق ایرانی به مستشار خواهد داد آقا حقوق آنها را هم باندازه حقوق رئیس مالیه و آن سه نفر حساب کردند و اعتراض فرمودند در صورتی که این منتهی آمال ما است که بکمه از ایرانی های لایق رادولت معرفی کند و با اختیار مستشار بگذارد و به آنها حقوق کافی بدهد این پول دیگر بخارج نی رود و با اعضاء و مستخدمین لایق ایرانی داده می شود.

در این صورت محل اعتراض نباید بشود

يك قسمت دیگر راجع بفرمایش آقای

مشیر الدوله بیان کردند آنچه در خاطر بنده هست اینطور نبوده ایشان فرمودند در عین اینکه آقای مشیر الدوله تصدیق فرمودند که يك قسمت از افراد ایران هستند که می توانند امور ادارات را مرتب کنند با این حال یکی از طرفداران جدی جلب مستشار آقای مشیر الدوله بودند .

(بعضی از نمایندگان صحیح است)

حتی اینکه اظهار فرمودند من عقیده دارم برای ایالات و ولایات و نقاط مهم هم برای جمع آوری مالیه از خارج مستخدم کثرت را شود بنابراین چون فرمایش آقای مشیر الدوله را تعریف کردند مجبور شدم توضیح بدهم ولی در اصل مسئله بنده هم در يك قسمت با آقای شیخ الاسلام موافقم و شاید سایر آقایان هم موافق باشند و آن این است که بعضی از اشخاص که تاکنون استخدام شده اند بوظیفه خودشان رفتار نکردند ولی لازمه این امر بر این نیست که مابطور کلی بگوئیم کلیه اشخاصی که از خارج استخدام شده اند خوب کار نکردند اگر از نقطه نظر انصاف نگاه کنیم خواهیم دید اشخاصی که در خارج استخدام شده اند بعضی از آنها خدمات مهمی نسبت باین مملکت کردند منتهی يك حوادث و اتفاقاتی روی داد که در تحت تأثیر آن حوادث نتوانستیم از کارهای آنها کاملاً استفاده کنیم در هر حال آنهايی که خطا کردند باید آنها را مقرر دانست و آنهايی که خدمت کرده اند باید خدمات آنها را قدرانی کرده ببقیه باید قدری خودمانی تر صحبت کنیم در این که ما شدت احتیاج را با اصلاح ادارات داریم هیچکس منکر نیست و البته واضح است که مهمترین ادارات و وزارت خانه های ما وزارت مالیه است خرابی هائی که در ادارات و وزارت خانه های ما حکم فرما است کسی منکر نیست و البته همهم معتقدان که باید این خرابی ها را اصلاح کرد و این اول قدم ترقی و تمالی يك مملتی است که احساس کند محتاج با اصلاحات است و باید تصدیق کرد که ادارات ما با این وضع حاضر قابل استفاده نیست و باید يك صورت خوبی با ادارات داد تا دولت بتواند از آنها استفاده کند اما برای اصلاحات هم امر دائر است باینکه با این اصلاحات بدست ایران انجام گیرد یا بدست مستشارانی که طرف اعتماد ایرانی ها باشند و متأسفانه اخلاق و عادات امروزه ما طوری شده که انتشار دارد از ایرانی ها کاریش رفت نمیکند بنده هم تصدیق می کنم که بقدر کفایت برای اداره کردن مملکت اشخاص نداریم اشخاص لایق و کار آمد ما خیلی کمتر هستند از آن اندازه که ما احتیاج داریم زیرا این امور مورثی است و امور فنی هم فیر از قسمت معلومات مدرسه هست و دلیل این

مسئله هم این است که از چندین سال باینطرف کاز خارجه اشخاص استخدام شده اند يك عده اشخاص ایرانی که در زیر دست مستخدمین خارجی کار کرده و تربیت شده اند بهتر می توان از وجود آنها استفاده کرد تا قبل از اینکه خارجی ها استخدام شوند و قبل از اینکه خارجی ها استخدام شوند و قبل از اینکه زیر دست مستخدمین خارجی کار کنند این اطلاعات و عملیات حالبه را نداشتند و بهترین دلیل برای این مسئله در همین مجلس واقع شده و با اینهمه هیاهو تصویب کردیم و آن اختیارات مطلقه غیر محدود بشخص مصدق السلطنه که طرف اعتماد مجلس بود داده شد اما چه کرد ؟

شیخ الاسلام - بیکارها نگذاشتند

فن است و امیدواریم در راه اوسنگهای غیر مستقیم یرتاب نکنیم

شیخ الاسلام - دیپلمش را از کجا دیده اند ؟

تدین -- اطلاعاتی را که بنده با عدم رویت دیپلم دارم جناب عالی با دیدن دیپلم هم نخواهید داشت موافق اطلاعاتی که بنده دارم این شخص یکنفر دکتر در علم مالیه و اقتصاد است که از دارالفنون امریکا دیپلم گرفته و سه سال هم مستشار اقتصادی یکی از وزارت خانه های مهم اتانزونی بوده است اگر همین قدر کافی است که هیچ والا ممکن است در خارج بیش از این بشما اطلاع بدهم علی ای حال این يك موفقیتی است که ما تحصیل کرده و توانسته ایم از دولت غیرهم جوار که طرف توجه تمام ایرانی ها است یکنفر رئیس مالیه استخدام نمایم ولی بنده ناچارم يك نکته را خاطر نشان کنم و آن این است که شرط استفاده از هر مأمور ولو اینکه لایق ترین مأمورین مهم دنیا باشد این است که خودم لایق و مایل باشم از او استفاده کنیم ما باید قضایائی را که راجع بشوستر پیش آمد سر مشق قرار دهیم و در آتیه با کمال متانت ناظر اعمال این شخص باشیم و تا اندازه هم که می توانیم در حدود قانون از او تقویت کنیم تا شاید انشاء الله يك سر و صورتی بوزارت مالیه و ادارات آن داده شود و اگر این دفعه هم خدای نخواست با موافقت بنده و مخالفت جناب عالی و این داد و فریاد ها نخواستیم و یا نتوانستیم یا سنک انداختیم و استفاده نکردیم تصور می کنم يك اسنادی بدست خودمان امضاء کرده و بدینا ارائه خواهیم داد

رئیس - مذاکرات در کلیات کافی نیست ؟

(جمعی گفتند کافی است)

رئیس - رأی می گیریم که داخل شور در مواد بشویم یا نه ؟

آقایانی که تصویب میکنند داخل شور در مواد شویم قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد چنانچه ملاحظه می فرمائید کمیسیون خارجه مسئله تا بهت را تصویب کرده کمیسیون بودجه هم لایحه را تصویب نموده کمیسیون قوانین مالیه یاره پیشنهادها کرده که اگر لازم شد در موقع شور در مواد بآن پیشنهادها رأی می گیریم

رئیس - ماده اول قرائت میشود (شرح ذیل قرائت شد)

ماده اول - مجلس شورای ملی بدولت اختیار می دهد که دکتر میلسیوتیبه امریکا را بسمت ریاست کل مالیه ایران برای مدت پنج سال بشرايط ذیل استخدام نماید .

رئیس - آقای کازرانی (اجازه)

آقا میرزا علی کازرانی - عرضی ندارم .

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله موافقت ؟

حاج شیخ اسدالله - بلی موافقم

رئیس - آقای حاج میرزا مرتضی حاج میرزا مرتضی - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

حاج میرزا مرتضی - اگر چه بنده در ضمن شور در کلیات نتوانستم عریض خود را عرض کنم لکن در ماده اول عریض خود را عرض می کنم بنده بطور کلی با استخدام مستشار خارجی مخالفم زیرا سابقه این کارها نشان داد که تا کون هر چه مستشار از خارج استخدام کردیم جز ضرر هیچ نتیجه برای ما نداشت حالا متأسفانه خودمان نتوانستیم استفاده کنیم یا پیش آمد مانده شد هر مستشاریکه بایران آمد داخل شد در يك سلسله سیاستها که بکلی از وظیفه او خارج بود و بجای آنکه از وجود آن مستشار برای ما منافع حاصل شود يك مضاری پیدا شد که اینک آقای شیخ الاسلام فرمودند مستشارانی که برای وزارت جنگ و هست و تلگراف و سایر وزارتخانه ها آوردیم تمام آنها از حدود خودشان خارج شدند و يك ضررهائی بر این مملکت وارد آوردند که بکلی این مملکت را بحال فلاکت و بدبختی انداختند و هیچ انتقامی هم از وجود آنها برده نشد و اگر آن اختیاراتی که بآنها می دادیم بمتخصصین ایرانی داده می شد شاید بهتر از آنها کار می کردند و برای ما انفع بود لان بنده عقیده ام این است که اگر این اختیارات که در این لایحه ذکر شده به يك نفر ایرانی متخصص در امر مالیه داده شود بهتر می تواند کار کند تا مستشار خارجی منتهی چیزیکه هست این است که اگر این کار را به يك نفر ایرانی واگذار کنیم بقدری اشکال تراشی برای اومی کند که بکلی مانع از کار کردن اومی شوند و اگر این کار را نکنیم یعنی دست از اشکال تراشی برداریم باندازه که برای اداره کردن ادارات لازم است اشخاصی داریم که هم تحصیل کرده اند و هم داخل در عملیات بوده اند و مدتی در مالیه و سایر ادارات خدمت کرده اند فقط چیزیکه هست این است که اگر يك نفر اروپائی از خارج استخدام در ادارات ما مشغول کار شود همه دستها را روی هم می

گذارند و کاملاً او را آزادی گذارند که هر کار می خواهد بکند ولی بمکس وقتی که يك نفر ایرانی مصدر کار می شود بقدری برای او اشکال تراشی می کنند که بهیچ وجه نمی تواند کار بکند و الا اینطور نیست که ایرانی ها هم نتوانند کار کنند ایرانی ها هم خوب می توانند کار بکنند و عقیده بنده این است همین اختیاراتی که در این لایحه ذکر شده که بمستشاران خارجی داده شود اگر بيك نفر متخصص ایرانی داده شود و با او مساعدت کنند آنوقت معلوم می شود ایرانی ها هم می توانند کار کنند یا خیر ؟

ما مستشاران و مستخدمین خارجه را مکرر امتحان کردیم و دیدیم آنهاست که در این مملکت جز ضرر برای ما کاری نکرده اند خوب است يك امتحانی هم نسبت بایرانی ها بکنیم و یکی از آنها را بیاوریم و همان اختیاراتی که بيك مستشار می دهیم بآن ایرانی بدهیم آنوقت اگر نتوانست کار کند آن کار را که حالا می خواهیم بکنیم و بيك نفر مستخدمین یا مستشار استخدام کنیم آنوقت استخدام کنیم آقای تدین فرمودند کثرت این مستشار مثل سایر مستشاران که سابقاً کثرت شده اند نیست بنده نمی دانم کثرت آنها بطور چه بوده است ؟ در صورتیکه اختیاراتی که باین مستشار داده می شود از اختیاراتی که بمستشاران سابق داده شده است خیلی بیشتر است و عقیده بنده این است که اگر این مستشار هم بیاید مثل همانهایی است که سابقاً آمده اند و جز ضرر و خسارت برای این مملکت فائده نخواهد داشت

بعضی از آقایان فرمودند از وجود آنها استفاده هائی شده است و بعضی از آنها خدماتی کرده اند بنده نمی دانم مستشار هست کدام خدمت را باین مملکت کرده است ؟ همانطور که آقای شیخ الاسلام اصفهانی فرمودند سابقاً هست از اصفهان بکرمان ده روزه میرفت در صورتی که همه مستشار داشت نه وسائل حمل و نقل در کار بود .

اما امروز که همه قسم وسائل حمل و نقل و غیره موجود است تقریباً یکماه الی چهار و پنج روز طول می کشد که هست از کرمان باینجا یا از این جا بکرمان برسد این نتیجه مستشار است که روز بروز اوضاع هست خراب تر و بدتر می شود همین طوری مستشار برای ژاندارمری و وزارت جنگ آوردیم دیدیم چه ضررها و چه خسارها بما وارد آوردند که هیچ جبران پذیر نیست عقیده بنده این است که امروز هیچ احتیاج بمستشار نداریم و اگر همان مساعدتها که کمهائی که بمستشاران خارجی می کنیم بایرانیانی که متخصص هستند

بنمائیم و آنها را تشویق کنیم خیلی بهتر از مستشاران خارجی می توانند کار کنند و انجام وظیفه نمایند.

مغیر کمیسیون خارجه - آقای حاج میرزا مرتضی در ضمن مخالفت با این ماده يك اظهار مخالفت هائی هم نسبت به کلیات نمودند ولی چیزی علاوه بر اظهارات آقای شیخ الاسلام بیان نکردند اگر چه آقای تدین کاملاً جواب آقای شیخ الاسلام را دارند لکن باز بنده می خواهم چند کلمه در جواب آقای حاج میرزا مرتضی عرض کنم بنده خیلی مقیدم باینکه از این مذاکرات برای کلیه شنوندگان و اخصاصی که فردا در روزنامهجات و در جرائد چه در اینجا و چه در ولایات این نطقهارا خواهند دید اهتمام حاصل نشود و مانع شود که آقایان مخالفین گاهی گوشه می زنند آنها خیال نکنند ماها که با مستشاران موافقیم بآلیاقت ایرانی ما مخالفیم ما مخالف هستیم که ایرانی ها کار داشته باشند این ها يك قسم رندی هائی است که آقایان ناطقین محترم برای پیشرفت عقیده خود اظهار می کنند ولی اگر درست دقت بفرمائید و - و هائز آنرا تصور کنند از این قبیل فرمایشات خودداری میکنند ماهیچوقت معتقد نبودیم باینکه ایرانی استمداد ندارد نکفتیم که ایرانی نباید داخل در کار باشد و اگر همچو عقیده را هم هر يك از ماها بکنیم يك تصور غلطی است و همانطور که آقای تدین فرمودند بنده هم عرض می کنم که اگر خودمان را محتاج به مستشار میدانیم برای این است که آن بصیرت های کافی و کامل را نداریم.

مستشار مالبه را برای انجام وظائف اجرائی در مالبه می آوریم و اگر خودمان را محتاج با استخدام می دانیم برای این است که اداره اطلاعات کافی و بصیرتهای لازم از برای اصلاحات این مملکت هنوز باندازه کافی در ایرانها نیست و اگر اخصاصی هستند که اطلاعاتی دارند خیلی کم و بملاوه شاید اطلاعات همینان ناقص است باین واسطه ما باید متوسل بشویم و بفرماییم و اقرار بجهل و سعی در طلب علم هم هیچ نوع ننگ و عیبی نیست و خوب است اجازه بدهید بنده وسایر آقایان معتقد باین مطلب نباشیم.

که نگار ما مکتب نرفته بفرمونه مسئله آموزش صد مدرس شد این هیچ عیب نیست و خوب است اقرار کنم که اگر چیزی بلد نیستم و نمی دانم باید یاد بگیرم سابقاً در يك مورد دیگری خدمت آقای شیخ الاسلام عرض کرده ام که یاد گرفتن ممکن است اصولی و مدرسه باشد ممکن است عملی باشد ولی تعلیم عملی سهولتش بیشتر است و دقت کمتر می خواهد و اگر ما بواسطه استخدام متخصصین مالم در ادارات خودمان تأسیس يك مدارس

عملی بزرگ کردیم و برای جوانان تحصیل کرده و آتیهائی که قسمت اصولی و علمی را در داخله یا در خارجه تحصیل کرده اند يك مدرسه عملی باز کردیم آن معلومات آنها زودتر و بهتر می تواند تقویت شود و در مدت کمی اشخاص بصیر و کافی پیدا می کنیم آقای شیخ الاسلام فرمودند (خدمت بحکومت اسلام) بنده هیچ خدمت را بحکومت اسلام و هیچ وسیله را برای حفظ حکومت اسلام بالاتر از این نمی دانم که سعی بکنیم چیزهائی را که بلد نیستیم و دیگران می دانند و بواسطه همین دانائیشان این تفوق هارا نسبت بما دارند از آنها یاد بگیریم و هیچ خدمتی بالاتر از این نیست که ما مملکت را از این فقر اقتصادی و فلاکت بیرون بیاوریم و متصل چه از نقطه نظر زندگی اجتماعی داخلی و چه از نقطه نظر سیاست خارجی افراد و جماعات ما محتاج بگدائی نباشند و این که فرمودند یکی از علل بدبختی ما بیکاری است بنده با ایشان موافقم اما کار راهش چه چیز است بمقیده بنده راه بر طرف کردن هر فسادى از مملکت اول تولید ثروت و دارا نمودن مردم است چه از نقطه نظر تجارت و از دیاد صنعت و چه بوسیله توسعه دوائر و ادارات مملکتی که مملکت بیشتر از این کار کی پیدا کند و آنها هم باید اشخاص لایقی باشند آقای حاج میرزا مرتضی هم اشاراتی فرمودند راجع به مستشاران و مستخدمین خارجی بنده منتظر بودم که در این قسمت آقای رئیس الوزراء قبل از ماها اظهار عقیده بفرمایند و از نقطه نظر حفظ نزاکت راجع بانواع خارجه و عملی مخصوص آتیهائی را که ما برای استخدام میاوریم دفاع بفرمایند باینجا يك اعتراضاتی فرمودند بنده نمی دانم ما عادت را در همه جا تعمیم بدهیم و در ضمن مذاکرات در کلیات هم را بيك چوب برانیم

(بعضی از نمایندگان - همه این طور نیستند)
عرض نکردم همه این طور هستند آنها بيکه اعتراض می کنند و از مستخدم خارجی تنقید می کنند بطور کلی و بدون رعایت این که در میان مستخدمین خارجی خوب هم هست بد هم هست بيگمترتبه می گویند فلان دسته با فلان طبقه خوب نیستند و بآنها بطور کلی حمله می کنند اینها هیچ کدام منطق ندارد البته در ضمن مستخدمین و طبقات خواه خارجی باشد و خواه داخلی خوب هم هست بد هم هست خوب را باید خوب گفت بد را باید بد گفت و الا اگر همه را بد بگوئیم و قر بد گفتن از بین می رود چرا در این مملکت تنقید آنقدر بی وفور شده و هیچ کس بآن وفور نمیگذارد برای این که بدون مقدمه و ملاحظه و بدون هیچ نوع تشخیص استعمال شده است باین جهت در موارد حقه خودش هم تأیید ندارد

ورفته رفته برای تنقیداتی که در افواه یا اوراق منتشره نسبت باشخاص می شود وفور باقی نمانده این ها خوب نیست ما باید در این جا قدر حرفهای خود را نگاهداریم مستخدمین خارجی چه کردند ؟ چه گناهی کردند ؟ بلژیکی ها وقتی باین مملکت آمدند (بنده از نقطه نظر قدر شناسی عرض می کنم و الا شاید بعضی از آنها بواسطه یاره کارهایشان احساسات با آنها همراه نیست) ولی بنده از نقطه نظر حق گذاری این جا باید عرض کنم که بلژیکی ها وقتی آمدند شما گمرك نداشتید ولی امروز يك گمرك منظمی دارید که دارای ادارات صحیحی است با عایدات مرتب و منظم که يك قسمت از عایدات مهم مملکت است چرا باید از این اشخاص بد بگوئیم برای این که یکی از میان آنها بد کرده است ؟ آن یکی را تعقیب بکنند و مطلب را ثابت و روشن کنید وقتی معلوم شد بد کرده است البته همه فرمایشات شما را تصدیق می کنند و این اقدام شما هم در دیگران مؤثر می شود آقای تدین در اینجا يك نکته فرمودند که خیلی صحیح بوده فرمودند اگر کسی را که ما میاوریم هر قدر هم آدم لایق و خوبی باشد وقتی خود ایرانی ها یا دولت ایران نخواهد استفاده کند او نمی تواند کار کند بلکه نمی گوییم که او کار کند این فرمایشی که می فرمایند البته نتیجه يك فکر و مقدماتی است که در دیگران هم ممکن است پیدا شود حالا شما پشت تریبون می فرمائید فردا وقتی که مستخدمین آمدند کسان دیگر از راه های دیگر مشغول عملیات و انتریک میشوند .

نتیجه این می شود که اگر يك بدبختی بخواهد از روی کمال صداقت و حسن نیت خدمت بکند ما نگاهداریم و آنوقت بگوئیم او کار نکرده و لایق نیست ولی اگر ما بخواهیم استفاده کنیم از مستخدمین هم که بنظر ما خیلی لایق و خوب نمی آیند می توانیم استفاده کنیم بنده معتقد هستم رئیس مالبه یا مستشار دیگری را که می آوریم دولت سلب اختیار از او بکنند بلکه بنده موافقم که بر رئیس مالبه باید اختیارات اداری تام و تمامی بدهیم ولی دولت هم باید تمام مواظبت و دقت خودش را صرف این کار بنماید که بواسطه سهو و اشتباه و یا بواسطه بی اطلاعی از اخلاق اجتماعی ما یا چیزهای دیگر خارج از حدود آن اختیارات کاری نکنند شما خودتان را درست کنید باقی مسائل درست خواهد شد اگر چه بنده منتظر بودم همین طور هم هست که در این موقع که استخدام بکنفر رئیس مالبه از ممالک غیر همجواری که نه يك نظریات سیاسی با دارد و بلکه همه نوع با ما موافق است يك دولتی که بموجب مراسلات اخیر خودش و بموجب مذاکرات خودشان

سیاست درب بازار در ایران اعلان و تأیید می کند يك دولتی که ما بواسطه کمک و مساعدت اومی خواهیم بعد از سالها اسارت اقتصادی يك سیاست ثابت اقتصادی اتغاذی کنیم و يك سرمایه های امریکائی در این مملکت بیاوریم و از این درد سرهائی که سالیان دراز داشتیم خلاص شویم در يك چنین موقعی که يك چنین احساساتی هست بنده منتظر بودم و میل داشتم که امروز حقیقه باخوشوقتی و شادمانی فوق العاده این استخدام را تلقی کنیم .

(بعضی از نمایندگان صحیح است)
بنده هیچ میل ندارم که آقای شیخ الاسلام بفرمایند امریکائی ها را هم دیدیم آیا چه شده است و چه دیده اید ؟
ناچار مقصودتان اشاره بامتیاز معادن نطق شمال بکمپانی امریکائی و تمایل آن کمپانی بشرکت با کمپانی انگلیسی است .

اما کمپانی یول می خواهد شما نباید بطور کلی بفرمائید امریکائی ها را هم دیدیم بنده یقین دارم و خودم شنیده ام و اینچاهم می گویم که قطعاً اول کسی که از اقدام این کمپانی بدش آمده شاید دولت امریکا و ملت امریکا بوده آن کمپانی هم شاید تصور می کرد که ما حرفی نداریم ولی وقتی دید که ما حاضر نیستیم شاید از عقیده خودش برگشته باشد در این صورت ما نباید يك حرفهائی بزنییم و يك موارد خصوصى بلکه اخص را بیاوریم و شامل يك فضایی کلی بکنیم بنده خیلی خوشوقتیم که می بینم آقایان تقریباً هموماً باینده موافقت و میل دارند در این قضیه ما با يك شادمانی این استخدام را تلقی کنیم و حقیقه روز و رويدان متخصصین را باین مملکت روز سعادت جدیدی فرض کنیم و هم پیش وجدان خودمان از حیث خدمت بمملکت و برای حفظ قسمی که خورده ایم با خودمان عهد کنیم که با تمام قوای خودمان از آنها تقویت کنیم و با آنها همراهی کنیم و از هر مخالفتها و هر انتریکهائی که مبینی بر اعتراض شخصی است انشاء الله جلوگیری کنیم .

رئیس - آقای حائری زاده در این باب پیشنهادی کرده اند ولی گمان نمی کنم در پیشنهاد ایشان بشود رأی گرفت چون ایشان پیشنهاد کرده اند پدر و مادر این شخص امریکائی باشد .
حائری زاده - اجازه می فرمائید توضیح بدهم .

رئیس - هر چه توضیح بدهید و بر فرض رأی هم بدهید پدر و مادرش امریکائی نمی شود معینا بفرمائید .
حائری زاده - اگر من این شخص را می شناختم این شرط را لازم نمی دانستم و معافتم و موافقت خودم را اظهار می کردم اما چون در مملکت امریکا برای زیاد